

نبرد خلق

شماره ۳۴۹

دوره چهارم سال سی ام

اول مرداد ۱۳۹۳

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی.....

ولایت خامنه ای همچنان قلب و مغز بنیادگرایی اسلامی

مهدی سامع

« نتیجه حملات ویرانگر و ضد انسانی اسرائیل به غزه از نظر نظامی هر چه که باشد، از هم اکنون می توان حکم داد که رژیم ایران بیشترین استفاده را نصیب خود خواهد کرد.»

صفحه ۲

سرمقاله.....

فرش قرمز روحانی برای موتورسوارهای "مردم نهاد"

منصور امان

اعلام تاخت و تاز دوباره اوپاش موتور سوار در خیابانها را که آشکارا با هدف وحشت پراکنی و آزار زنان و جوانان صورت می گیرد، اگر چه از یکسو می توان نشانه ای از تشدید تضاد در دستگاه قدرت رژیم جمهوری اسلامی به حساب آورد، همزمان علامت قوی دیگری از ناکارایی سیاست دوگانه و بینابینی جناح میانه حکومت و دولت آن ارسال کرده است.

در صفحه ۳

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۳۲) گزارشی از کنفرانس سوسیالیسم ۲۰۱۴ در شیکاگو

لیلا جدیدی

اقدام ضد کارگری شورای عالی کار در رابطه با بیمه کارگران

زینت میرهاشمی

در صفحه ۴

سقوط اقتصادی و دولت روضه خوان

جعفر پویه

صفحه ۷

مجلس خواجهگان و ویدیو کلیپ رهبری

امید برهانی

صفحه ۱۶

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

صفحه ۱۸

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

صفحه ۱۷

- "چشم انداز چپ انقلابی"

- "انقلابیون مصری تسلیم نمی شوند"

- نکاتی آموزنده در باره یونان و پیروزی حزب چپ

سیریزا

صفحه ۵

چالشهای معلمان در تیر ماه

فرنگیس باقره

صفحه ۱۲

"جالوت"، زندگی و نفرت در

اسرائیل کبیر

گزارشی از سوسیالیسم ۲۰۱۴

آماندا سحر دورسو

صفحه ۱۳

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در تیر ۱۳۹۳

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

صفحه ۱۴

تداوم نبرد در عراق باوجود تشدید سرکوب و حضور داعش

آناهیتا اردوان

صفحه ۹

اخبار پرستاران

امید برهانی

صفحه ۱۰

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی....

ولایت خامنه ای همچنان قلب و مغز بنیادگرایی اسلامی

مهدی سامع

میزان رژیم ایران برای صلح و دمکراسی مانع ایجاد کنند.

این درست است که ولایت خامنه ای در موقعیت ضعیف و شکننده قرار دارد و مورد تنفر و انزجار اکثریت مردم ایران است. اما باید توجه داشت که رژیم ایران با حربه صدور ترور و بنیادگرایی و با استفاده از نقاط ضعف کشورهای غربی، به ویژه آمریکا و البته در همسویی با جنگ طلبان اسرائیل می تواند برخی از چالشهای خارجی را به فرصت تبدیل کند. بیهوده نیست سرکردگان سپاه پاسداران بارها عمق استراتژیک نظام ولایت فقیه را لبنان، غزه، سوریه و عراق اعلام کرده اند.

نتیجه حملات ویرانگر و ضد انسانی اسرائیل به غزه از نظر نظامی هرچه که باشد، از هم اکنون می توان حکم داد که رژیم ایران بیشترین استفاده را نصیب خود خواهد کرد. همان طور که در حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ چنین نتیجه ای به دست آمد. خامنه ای با حربه جنگ اخیر به طرفهای مورد مذاکره اش این پیام را می رساند که قادر است امنیت کل منطقه را برهم زند. خامنه ای می داند که کشته شدن سه کودک اسرائیلی با توجه به قدرت جنگ طلبان در دولت اسرائیل می تواند به یک جنگ گسترده تبدیل شود. بسیار بعید است که حماس سه کودک اسرائیلی را کشته باشد، اما قاسم سلیمانی حقوق بگیران بسیاری دارد که می توانند به هر جنایتی دست زنند، همان طور که طی ده سال گذشته در عراق چنین کرده اند و البته هزینه این راهبرد ارتجاعی از جیب مردم ایران پرداخت شده است.

در مقابل برای مردم ایران راهی جز پایداری و مبارزه قاطع برای برانداختن نظام ننگین ولایت فقیه باقی نمی ماند. مردم ایران حق دارند که از تضادها و چالشهای جهانی در جهت رسیدن به آزادی استفاده کنند، اما رسیدن به آزادی تنها با نیروی مردم ایران و در مبارزه و مقاومت میسر است.

را نمی پذیریم». اما همزمان وی بدون در نظر گرفتن مانورهای حيله گرانه خامنه ای با خوش خیالی اعلام می کند که: «چشم انداز معتبر برای یک توافق جامع وجود دارد. بدین دلیل و به خاطر این که ایران به تعهدات خود طبق قرارداد اولیه عمل کرده است... با جلو رفتن، ما فرصت برای راه حلی پایدار و دیپلماتیک برای یکی از پرفشارترین موضوعات امنیت ملی زمانه مان را به دست می آوریم».

در این سخنان، به ویژه به خاطر طرح مساله «امنیت ملی» و فقدان کوچک ترین اشاره به سیاست صدور ترور و بنیادگرایی ولایت خامنه ای، مسیر راهی نشان داده می شود که کالین پاول در سال ۲۰۰۳ در ژنو و در

پذیر هستند. تجربه حمله تجاوزگرانه آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و به دنبال آن نفوذ غیر قابل مهار ولایت خامنه ای در عراق نشان داد که غرب به طور عام و آمریکا به طور خاص در مقابل مداخلات ماجراجویانه رژیم ایران به شدت ناتوان و در مواردی بدون هرگونه اغراق احمقانه عمل می کند. سوال پایه ای در این رابطه این است که آیا می توان پروژه دستیابی به بمب اتمی را از سیاست صدور ارتجاع و بنیادگرایی و این هر دو را از نقض تمامی حقوق انسانی مردم ایران توسط ولایت خامنه ای جدا کرد؟ پاسخهای متفاوت به این سوال راهبردهای متفاوت و عموماً متضادی را روی میز قرار می دهد.

واقعیت این است که حملات اسرائیل علیه مردم غزه اقدامی جنایتکارانه و به شدت محکوم است. اما این تمام واقعیت نیست و از قضا در جنگ اخیر که با قتل وحشیانه سه کودک اسرائیلی و به دنبال آن سوزاندن یک کودک فلسطینی آغاز شد، جمهوری اسلامی ماهرانه نقش آفرینی کرد تا در زیر سایه سنگین جنگی که تا کنون صدها قربانی بی گناه داشته، با کمترین هزینه در عقب نشینی پیرامون پروژه اتمی، بیشترین امتیاز را کسب کند.

مذاکرات مخفی با رژیم ایران از آن عبور کرد. نتیجه آن مذاکرات بمباران وحشیانه قرارگاههای سازمان مجاهدین خلق ایران و متعاقب آن تقدیم حاکمیت عراق در «سینی طلایی» به جمهوری اسلامی بود.

در مورد حسابرسی و تحلیل بیان جنگ تجاوزگرانه آمریکا علیه عراق و قدرت گیری باندهای تبهکار وابسته به ولایت خامنه ای در این کشور هرچه منتشر شود، قادر نیست از شیب تند سقوط کشور عراق جلوگیری کند. امروز داعش در غرب عراق جولان می دهد و نتان یاهو غزه را ویران می کند و مساله اصلی در زیر گرد و غبار یک استراتژی معیوب پنهان می ماند.

مساله اصلی این است که علیرغم گروههای ریز و درشت بنیادگرا و تروریست، قلب و مغز بنیادگرایی اسلامی در تهران و در بیت خامنه ای است. جریانهایی مثل القاعده و داعش هرچقدر هم که مستقل از حکام تهران عمل کنند، نمی توانند به

آن دسته از جریانها و سیاستمداران که این سه مساله را در پیوند با هم و با موجودیت نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن تعریف می کنند، راهبردی جز براندازی این نظام ندارند. اما آن دسته از جریانها و سیاستمداران که به هر نحو و با هر توجیه این سه مساله را از هم جدا کرده و یا بدتر از آن هریک از این سه موضوع را انکار می کنند، به ناچار و کم یا بیش در جبهه جمهوری اسلامی قرار می گیرند. در این گروه از سیاستمداران از «جرج بوش» جنگ طلب و محافظه کار تا «باراک اوباما» ی ضد جنگ و بسیاری از سیاستمداران اروپایی از راست تا چپ به صف شده اند.

حرفهای جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا که در روز شنبه ۲۸ تیر در سایت کاخ سفید منتشر شد، نمونه بارز از این نوع برخورد سیاسی است. البته جان کری در مساله اتمی موضع به طور نسبی قاطع اتخاذ می کند و می گوید: «ما هیچ چیزی کمتر از حل و فصل جامعی که به اهدافمان پاسخ دهد

در کوران تهاجمات وحشیانه ارتش اسرائیل به مردم غزه، ۶ کشور بزرگ توافق کردند که مذاکرات با رژیم ایران تا نوامبر سال جاری تمدید شود. در حالی که این تمدید چهار ماهه هیچ تغییری در صورت مساله نمی دهد، اما این سوال را برجسته می کند که آیا تصادفی است که هرگاه جمهوری اسلامی در مخصیصه و فشار عوامل خارجی قرار می گیرد، آتش جنگی بی رحمانه که یک طرف آن جنگ طلبان اسرائیل قرار دارند برافروخته می شود. این جنگها معمولاً با یک اقدام تحریک آمیز بنیادگرایان فلسطینی یا حزب الله لبنان آغاز می شود و با حملات وحشیانه ارتش اسرائیل و کشته و مجروح شدن مردم بی گناه، از چند روز تا چند هفته ادامه می یابد و در این میان آقایان خامنه ای و نتان یاهو در راس جریاتهای جنگ طلب در خاورمیانه برای رسیدن به اهداف شوم خود فرصت سازی می کنند. فراموش نکرده ایم که حاصل یکی از همین جنگها، قرارداد اُسلو را به خاک سپرد و در بیلان آن جنگ نیز نام خامنه ای و همپالکیهای داخلی، منطقه ای و جهانی او (به شمول شارون) در ستون برندگان و مردم خاورمیانه (به شمول مردم اسرائیل) در ستون بازندگان نامگذاری شدند.

واقعیت این است که حملات اسرائیل علیه مردم غزه اقدامی جنایتکارانه و به شدت محکوم است. اما این تمام واقعیت نیست و از قضا در جنگ اخیر که با قتل وحشیانه سه کودک اسرائیلی و به دنبال آن سوزاندن یک کودک فلسطینی آغاز شد، جمهوری اسلامی ماهرانه نقش آفرینی کرد تا در زیر سایه سنگین جنگی که تا کنون صدها قربانی بی گناه داشته، با کمترین هزینه در عقب نشینی پیرامون پروژه اتمی، بیشترین امتیاز را کسب کند. خامنه ای با دادن امتیاز در مورد خنثی کردن تمامی ذخائر اورانیوم ۲۰ درصد به دنبال تکمیل توانایی برای ساختن بمب اتمی است.

خامنه ای و مشاوران او این گونه ارزیابی می کنند که ۶ کشور طرف مذاکره گرچه در موضوع پروژه اتمی جمهوری اسلامی مرز سرخ دارند، اما در موضوع تروریسم و چگونگی مداخله رژیم ایران به شدت ضعیف و ضربه

سرمقاله

فرش قرمز روحانی برای موتورسوارهای "مردم نهاد"

منصور امان

"اصولگرایان"، همه جا باندها و دسته بندی‌هایی که به نوبت برای به چنگ آوردن حاکمیت به رویارویی با یکدیگر می‌روند، نه در پی "بر هم زدن" ساختار موجود، بلکه به غنیمت گرفتن آن بوده‌اند و رویکرد "دولت اعتدال" نشان می‌دهد که او نیز از این قاعده مستثنی نیست.

عبارت پردازی آقای روحانی در باره تمایز بین "دولت دینی" و "دین دولتی" و یا انتقاد از "بهشت اجباری" یک نمونه روشن از تلاش برای کشیدن فرش از زیر پای رقبا بدون جر خوردن آن است. او برای رهایی یافتن از فشاری که باند رقیب به بهانه "فرهنگ و شعائر اسلامی" وارد می‌آورد، به نگاه خط فرضی بین این دو کشیده و مسوولیت تبلیغ و ترویج دین و به بیان روشن تر تحمیل "فرهنگ و شعائر" را به گردن نهادها و ارگانهای متعدد غیر رسمی و "مردم نهاد"ی افکنده که به موازات دولت تشکیل گردیده‌اند. حجت الاسلام به این وسیله همچنین روشن ساخته است که با پرنسپ اعدام اجباری بندگان به بهشت از طریق اجبار آنها به رعایت و گردن گذاشتن به شریعت و دستورات دینی مخالف نیست، بلکه تاکید دارد حیطة وظایف دستگاهها برای عملی ساختن آن تفکیک شود.

آقای روحانی بر آن است که با یک تیر دو نشان بزند، او با به بحث گذاشتن بهانه های "فرهنگی" باند رقیب برای لشکرکشی و اعمال قدرت، مایل است از یک طرف دریچه ورود آنها به حوزه قدرت را تنگ کند و از طرف دیگر با بهره گرفتن از بی‌زاری جامعه از اجبارت دینی، برای خود حمایت و علیه رقبا "فشار از پایین" دست و پا کند.

با این حال تاکتیک جناح میانه حتی برای عوامفریبی هم ناکافی است. برای جامعه فرقی نمی‌کند که چماق اجبارت دینی را چه کسی و از چه دایره بوروکراتیکی بر سرش فرود می‌آورد. آنچه که جامعه به آن نیاز دارد، تعویض ماموران اونیفورم پوش با لباس شخصیها و مومنان احساس تکلیف کرده نیست، بلکه برچیدن شدن "بهشت اجباری" در کل است.

"دولت دینی" پیشنهادی حجت الاسلام روحانی اما دقیقاً حفظ این تحمیلات به مثابه ابزار چشم ناپوشیدنی "نظام" برای به اطاعت واداشتن اکثریت جامعه و ترویج آگاهی کاذب برای الزام اقلیت آن به عمل برخلاف منافع واقعی خود را هدف دارد. در این راستا، جناح میانه حکومت به راستی خواهان خلع ید از اهرمهای اعمال قهر بقیه در صفحه ۴

که از شرایط مادی زندگی برخاسته‌اند، پاسبانی از اخلاقیات جامعه از طریق جاری ساختن نوع معینی از "اخلاقیات" است که در شرع و دستورات دینی فرمولیزه و پیش بینی شده و افراد را از طریق مداخله مستقیم در رفتار فردی و کنش اجتماعی آنها قیمومیت پذیر کرده یا به زیر اقتدار می‌کشد.

به وسیله مجموعه قواعدی شامل سرکوب و تحقیر زنان، مجازاتهای قرون وسطایی، مجاز و ممنوع ساختن انواع خاصی از پوشش، نوشش، خوراک و جز آن، دستگاه ولایت فقیه نظام نظری خود را شکل داده و جاری می‌کند تا رژیم سیاسی و حقوقی خود را که در تضاد با زیربنای طبقاتی جامعه قرار دارد، بر مبنای نیروی قهر آن سازمان داده و تحمیل کند. ماهیت توجیه گرانه اخلاق، آنگونه که مارکس تعریف می‌کرد، در سیمای حکومت دینی جمهوری اسلامی به گونه دُرُشت و زنده ای بازتاب یافته است تا بدانجا که وضع کنندگان آن حتی ضرورتی به پنهان کردن سرچشمه موعظه ها و دستورات اخلاقی خود که به طور مستقیم از نیازها و ضرورتهای شان می‌جوشد، نمی‌بینند. آخرین بار در ماه گذشته (۲۳ تیر) رهبر رژیم مَلاها در قالب هُستدار به رقیبانش در جناح میانه، به رابطه بی واسطه میان "فرهنگ در چارچوب نظام اسلامی" و نظم سیاسی اشاره کرد و تاکید کرد که "هر گونه تغییر مسیر"، "موجب برهم خوردن" آنچه که وی "انتظام فکری و هویت واقعی جامعه" نامید، می‌شود.

تغییر روابط یا به غنیمت گرفتن آن؟

آقای خامنه ای با این یادآوری، مانور جناح میانه گرد چماق "فرهنگ" را از زاویه "منافع عام" همه ی سود برندگان از آن به باد انتقاد گرفته است. با این حال چنین نمی‌نماید که هم‌اوردان باند ولی فقیه به راستی خواهان "تغییر مسیر" در راهکار تامین و اعمال اقتدار سیاسی از طریق تحمیل دینی - فرهنگی باشند.

جدال باندهای زیر "خیمه نظام" بر سر سهمی که از قدرت و منافع آن می‌برند، با هر شدت و عمقی که جریان یافته، در هیچ دوره ای از تاریخ حیات رژیم مَلاها اصل انحصار قدرت بر مبنای مشروعیت الهی را زیر سوال نبرده است از "خط امام" و "اصلاح طلبان" تا "راست ستنی" و از "کارگزاران" و تا "باند ولایت" و

از جامعه حساب باز کند، برای حل تضادهایی که جایگاه انحصاری آن را در قدرت به چالش می‌گیرند، به خشونت سازمان یافته روی آورده است. پی گمان نگاه ارتجاعی و تا مغز استخوان - به لحاظ ایدئولوژیک - فاسد مَلاها به دموکراسی و حقوق شهروندی یک فاکتور در پناه بردن دولت دینی به اعمال خشونت است. با این حال چنین می‌نماید که عامل اصلی را می‌بایست در موقعیت عینی حکومت از نظر طبقاتی و جایگاهش در مَساسبات ناشی از آن جستجو کرد.

تضاد روبنا و زیربنا

خُمینی و بازماندگان او طبقه ای را نمایندگی نمی‌کنند که به لحاظ اقتصادی و روابط تولیدی سایر طبقات را به ذُنبال می‌کشد و به گونه مادی در موقعیت برتری نسبت به آنها قرار گرفته است. آنها همچنین قادر نیستند این کمبود را با نفوذ فکری و ایدئولوژیک در پهنه های حیات مدنی و سرچشمه های آن جُبران کنند. این دو نقص، قوی ترین ویژگیهایی نیست که دستگاه فکری و سیاسی آنها را برای رقابت - به ویژه - با گرایشهای مُترقی، مُدرن و دموکراتیک در جامعه تجهیز می‌کند. بنابراین اعمال قهر و خالی کردن صحنه با انفجار آن، گرداندگان رژیم ولایت فقیه را از معرض مقایسه و داوری قرار گرفتن بی نیاز می‌سازد و آنان را از تحمل نتایج ناگوار چنین رقابتی نجات می‌دهد.

حتی یک نگاه گذرا به پیشینه و کارکرد کنونی ابزارهای قهر دولتی رژیم مَلاها می‌تواند نشان دهد که آنها وظیفه دیگری جز به تبعیت کشاندن جبری جامعه و حفظ موجودیت "نظام" در یک تقابل دایمی با آن ندارند. وجود تابلوهایی چندگانه و ساختگی بر سر در این دستگاه پیچ در پیچ اما با این حال یکپارچه ی نظامی و امنیتی همچون، سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، بسیج، نیروی انتظامی، قوه قضاییه، حراست، سازمان زندانها، کمیته های انضباطی، دواير سياسي - ایدئولوژیک و جز آن به دُشورای می‌تواند توهم وجود وظایف مختلف و حیطة های عمل جُداگانه آنها را به وجود بیاورد؛ به ویژه هنگامی که جامعه در برابر هر روزنه تنفس خود، با سد یک قواره ی هیبت انگلی و دهشتناک آن و کارکرد یکسان اش روبرو می‌شود.

دریچه حکومت برای وارد کردن نیروی قهر به صحنه اجتماع و آرایش دادن آن در برابر نیازها، خواستها و فرآیندهایی

اعلام تاخت و تاز دوباره اوباش موتور سوار در خیابانها را که آشکارا با هدف وحشت پراکنی و آزار زنان و جوانان صورت می‌گیرد، اگر چه از یکسو می‌توان نشانه ای از تشدید تضاد در دستگاه قدرت رژیم جمهوری اسلامی به حساب آورد، همزمان علامت قوی دیگری از ناکارایی سیاست دوگانه و بینابینی جناح میانه حکومت و دولت آن ارسال کرده است.

قهر، یک ویژگی همزاد

در همان حال که جدال دسته بندیهای اصلی رژیم مَلاها در زمین "فرهنگ و شعائر" به شدت در جریان است، باند ولی فقیه، انصار حزب الله، یکی از بدنام ترین باندهای سیاه سازماندهی شده توسط ارگانهای نظامی و امنیتی حکومت را به مثابه اهرمی برای پیشبرد این نزاع به میدان آورده است. اما توسل به شبه نظامیان هنوز همه نمایش عضله آقای خامنه ای و همدستان نیست و آنها برای گذاشتن سنگهای دیگر در کفه موازنه و سنگین کردن آن، نیروهای رسمی نظامی را نیز وارد بازی کرده‌اند.

بیانیه غیرعادی "ستاد کل نیروهای مسلح" جمهوری اسلامی، ارگانی که بالاترین مرجع نظامی حکومت به شمار می‌رود و زیر کنترل مستقیم آیت الله خامنه ای عمل می‌کند، اقدامی در این جهت است. "ستاد" مزبور ناگهان مبارزه با آنچه که "هنجارشکنیهای اخلاقی و فرهنگی" نامیده را به عنوان یکی از "وظایف" خود کشف کرده و در پیامد آن با لحنی تهدید آمیز از "به کار گرفتن ظرفیتهای موجود خود در این راستا" سخن رانده است.

تکان دادن این مَهره، به خوبی اهمیت و ضرورت رویارویی در پهنه "ارزشهای دینی و دستورات شرعی" را جلوه گر شده است؛ میدانی که جدال در آن برای هر دو باند رقیب حکومتی بی‌الترناتیو به حساب می‌آید؛ برای باند ولایت فقیه از آن رو که امکان و توجیه وارد کردن توان قهری خود به کشاکش را فراهم می‌آورد و برای جناح میانه به این دلیل که برای خنثی کردن اهرمهای حریف چاره ای جز گرفتن این دستاویز از آن ندارد.

علت این امر را باید در این ویژگی دایمی ساختار قدرت جستجو کرد که به گونه تک پایه روی قهر و ابزارهای اعمال آن استوار گردیده است. رژیم جمهوری اسلامی همواره، حتی زمانی که در ابتدای دستیابی به قدرت می‌توانست روی توهم بخش قابل توجّهی

اقدام ضد کارگری شورای عالی کار در رابطه با بیمه کارگران

زینت میرهاشمی

فرش قرمز روحانی برای موتورسوارهای "مردم نهاد"

بقیه از صفحه ۳

مانند سپاه پاسداران، بسیج و دواپر امنیتی که موجودیت "نظام" و موقعیت انحصاری قدرت ناشی از آن را تضمین می کنند، نیست. آنچه آنها می خواهند، در گام اول از کنترل رقیب خارج کردن این اهرمها و در گام دوم گرفتن زمام شان در دست خود است.

از سوی دیگر و در نظر به جنگ داخلی قدرت، ترفند ناهمگون آقای روحانی برای گرفتن میدان مانور از رقیب، بدانگونه فانتزی و ناکاراست که در عمل به ضد خود تبدیل شده و فضای بیشتری را اختیار آنها می گذارد. در همین رابطه، رژه انصار حزب الله و بیانیه "ستاد کل نیروهای مسلح" فقط به ریشخند گرفتن توفان "دولت اعتدال" در فنجان نیست، بلکه آرایش گرفتن نیروهای نظامی و امنیتی و هماهنگ شدن آنها با شرایط جدید پس از واگذاری قوه مجریه به جناح میانه را بازگو می کند. آنها کسب این فرصت و امکانات مادی برای استفاده از آن را مدیون حریف خویش هستند که در نزدیکترین مسیر برای تدارکچی شدن گام برمی دارد.

امتداد کاهش نقش زنان در فعالیت اجتماعی است. این لایحه در ادامه همان طرح تولید فرزند بیشتر و تبدیل زنان به ماشینی در جهت تولید مثل و خدمت کردن به همسر است.

به قتل رسیدن ۳ کارگر معدن و مجروح شدن تعداد دیگری از کارگران بعد از انفجار در انبار معدن قلعه خرگوشی واقع در اردکان، در روز دوشنبه ۱۶ تیر، به کارنامه نقض حقوق نیروی کار در جمهوری اسلامی اضافه شد. علت انفجار بعد از گذشت دو هفته، همچنان در ابهام مانده است. از این حادثه مرگبار روایت‌های مختلف در رسانه های حکومتی منتشر شد.

یکی از علت‌های پایه ای حوادث کار و ناامنی کار، عدم کاربرد دستگاه‌های ایمنی و فقدان استانداردهای بین المللی برای امنیت نیروی کار است. جمهوری اسلامی با کاربرد قوانین ضد کارگری شرایط ناامن برای نیروی کار را بیشتر فراهم می کند. در ایران تلفات کار هر ساله افزایش پیدا کرده است. بنا به داده های آماری روابط عمومی پزشکی قانونی کشور، رقم تلفات در سال ۹۲ نسبت به سال ۹۱، ۱۱ درصد افزایش داشته است.

بر اساس آمار پزشکی قانونی «در سال گذشته یک هزار و ۹۴۴ نفر در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند. این رقم در مقایسه با سال ۹۱ که تعداد تلفات حوادث کار یک هزار و ۷۹۶ نفر بود، ۱۱ درصد افزایش یافته است». (ایلنا ۱۷ تیر ۹۳)

در حالی که فعالان سندیکایی و کارگری در زندان و زیر آزار و شکنجه هستند، چپاولگران اموال مردم و کارفرمایان استثمارگر با حمایت مدعیان نمایندگی خدا بر روی زمین، سفره کارگران و مزدبگیران را هر چه بیشتر لاغر کرده و کاخهای خود را مجلل تر می کنند. قوانین کارگری به شکلی است که نمی تواند امنیت کار را تضمین کند.

۱۷ تیر، پیشنهاد مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی و نماینده کارفرمایان مبنی بر لغو حق بیمه ای که توسط کارفرمایان به این سازمان برای پرکردن صندوق بازنشستگی تعلق می گرفت را تصویب کرد. این تصمیم موجی از اعتراض در میان کارگران برانگیخت. تصویب این طرح به زیان کارگران و مزدبگیران و به سود کارفرمایان است. چگونگی ساخت و پاخت دست اندرکاران سازمان تامین اجتماعی و اتحادیه کارفرمایان تاکنون علنی نشده است. به عبارت دیگر معلوم نیست که ربیعی، وزیر کار و دست اندرکاران سازمان تامین اجتماعی چه سودی از پرکردن صندوق بیمه کارگران از حق بیمه که توسط کارفرمایان پرداخت می شد، می برند.

پرداخت بن کارگری و یا مزایای کارگری به میزان ۸۰ هزار تومان در حالی در شورای عالی کار به تصویب رسید. بر طبق این تصمیم ۸۰ هزار تومان نه به صورت حواله کالا که به صورت نقدی پرداخت می شود. این مبلغ ناچیز نمی تواند نابرابری مزد با نرخ تورم را جبران کند.

در حکومت فاسد جمهوری اسلامی، غارت سازمان تامین اجتماعی توسط دژخیم مرتضوی با حمایت احمدی نژاد به کسری بودجه ۵ هزار میلیارد تومان و بدی ۶۰ هزار میلیارد تومانی این سازمان منجر شده است. این ارقام، گوشه هایی از غارت این نهاد است که توسط خودیها به شکل محتاطانه در رسانه های حکومتی افشا شده است.

سازمان تامین اجتماعی که محل ذخیره بیمه کارگران است و بخش مهمی از اندوخته آن توسط کارگران تامین می شود به جای تامین امنیت نیروی کار و تضمین حداقل زندگی برای دوران بازنشستگی کارگران و مزدبگیران، تبدیل به منبعی برای دزدیهای سران حکومت شده و تاکنون فقط گوشه هایی از فساد مالی در این نهاد در جدالهای باندهای حکومتی افشا شده و ابعاد غارت سازمان تامین اجتماعی هنوز به طور کامل فاش نشده است. واگذاری اموال این سازمان، برای مثال واگذاری شرکت «شستا» که از ۲۰۷ شرکت تشکیل شده، به بابک زنجانی، تنها



بر اساس خبرهای پخش شده، مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی قصد دارد که این مبلغ نقدی را به غیر نقدی و در قالب بسته های حمایتی که به ضرر کارگران است، تبدیل کند.

در رویدادی دیگر روز یکشنبه ۱۵ تیر، لایحه کاهش زمان کار زنان شاغل دارای همسر و فرزند معلول در کمیسیون اجتماعی مجلس به تصویب رسید. بر اساس این لایحه ساعت کار این گروه زنان از ۴۴ ساعت در هفته به ۳۶ ساعت کاهش می یابد. تصویب این لایحه به ضرر نیروی کار زنان و در

نمونه کوچکی از این دزدیهاست. چپاول صندوق سازمان تامین اجتماعی تا جایی رسید که کارگزاران این نهاد در سال ۹۱ مجبور به گرفتن قرض از بانک شدند. آخرین ضربه گردانندگان این نهاد به کارگران برن طرح لغو پرداخت بیمه روی بن و مزایای کارگری به شورای عالی کار است. طرحی که توسط این نهاد ضد کارگری به تصویب رسید.

شورای عالی کار متشکل از نمایندگان کارفرمایان، دولت به عنوان سرمایه دار بزرگ و عروسک‌هایی به نام نمایندگان کارگران است. این شورا روز سه شنبه

برآمد
با هر جمله پردازی رُسناسی و ژست مردم پسندانه در باره بهشت و جهنم، از حُجّت الاسلام حسن روحانی نمی توان انتظار داشت رشته های پیوندش با دولت دینی و منافعی که از آن نصیب او و جناحی که بدان تعلق دارد می شود را بگسلد. او فقط حاضر است از تغییراتی دفاع کند که می تواند با استبداد مذهبی سازگاری داشته باشد و تنها برای حفظ آنچه که دارای اهمیت و حیاتی است، آماده است گذشت‌هایی بی اهمیت کند. جناح میانه حکومت از تصویر آینده پس از پایان انحصار قدرت وحشت دارد و در آن برای خود جایگاهی نمی بیند، از این رو به گذشته چنگ انداخته و با تمام توان تلاش می کند امتیاراتش را حفظ کند. "اعتدال" آنها موازنه ای است که در یک سوی آن قدرت با تمام مواهب زمینی و آزادی اعمال اش نصیب آنها می شود و در سمت دیگر جامعه به جای سهم، حرافی، وعده و چپاولی تحویل می گیرد.

با این حال، آقای روحانی مشمول همان حُکمی می شود که آقای خامنه ای در دایره نفوذش بسر می برد: اگر ادامه سیاستهای گذشته ممکن بود، تغییر مجریان هرگز رخ نمی داد و وضعیت گذشته تداوم می یافت.

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۳۲) گزارشی از کنفرانس سوسیالیسم ۲۰۱۴ در شیکاگو

لیلا جدیدی

* عنوان گزیده مباحثی از میان
۱۵۰ جلسه کنفرانس:

"سوسیالیستها، مبارزه و جبهه متحد"،
"نو - لیبرالیسم و طبقه کارگر در حال
تغییر"، "آینده سیاست سیاهان بعد از
اوباما"، "نبرد برای عدالت در
فلسطین"، "بازسازی بحران زیست
محیطی"، "مارکس و طبیعت انسان"،
"چشم اندازها برای چپ انقلابی"،
"مارکس، انگلس و حزب سیاسی"،
"اقتصاد سیاسی انرژی"، "عکاسی و
مارکسیسم"، "چپ در اروپا و مبارزه
علیه راست"، "مبارزه برای افزایش
حداقل دستمزد"، "چگونه انقلاب
روسیه پیروز شد؟"، "مارکسیسم و
کودکان"، "آزادی زنان و جنبش
سوسیالیستی افقی تازه برای چپ"، "آیا
سوسیالیسم خسته کننده خواهد بود؟"،
"رزا لوکزامبورگ و اصلاحات برای
انقلاب" و ...
در اینجا به سه موضوع برگزیده از این
جلسات می پردازم

- "چشم انداز چپ انقلابی"
سخنران احمد شاک، سوسیالیست
عرب - آمریکایی، روزنامه نگار و
سرمدیر نشریه "سوسیالیست بین الملل
ریویو" و رهبر سازمان بین المللی
سوسیالیست

احمد شاکي نخست از بحثهای درونی
سازمان خود صحبت کرد. وی گفت این
بحثها در پروسه ای بسیار دموکراتیک
صورت گرفت، اگر چه یک سال طول
کشید تا به نتایج مشخصی رسید. وی
افزود در این بحثها هر گونه اظهار
نظری آزاد بود. او به طنز گفت: "حتی
یک نفر معترض بود که چرا دوره
رهبری من بر سازمان از دوره ریاست
جمهوری مبارک در مصر هم طولانی
تر بوده است."

وی سپس از این امر که تغییرات مهمی
در جهان صورت گرفته و در حال صورت
گرفتن است صحبت کرد. او گفت:
"جهان وارد فضای تازه تری شده،
پیش از آنکه ما جهان گذشته را خوب
شناخته باشیم، ما دوران طولانی توسعه
کاپیتالیسم را دیده ایم، نو - لیبرالیسم و
تهاجم به حقوق زحمتکشان را دیده ایم،
احزاب کمونیست نه تنها ضربه خوردند،
بلکه بسیاری حل شدند. چرا؟ چون حتی
رهبران آنها خودشان پیش قراول
سرمایه داران شدند. در اروپا داریم به
عقب و پیش از جنگ دوم جهانی برمی
گردیم، به سمت راست افراطی و
نازیسم و بحرانهای اقتصادی.
چرخشهای ایدیولوژیک زیادی صورت
گرفته، البته به استثنای یونان.

اما چگونه باید مبارزه را شکل داد و
بقیه در صفحه ۶

جای داده بود، صدلیها پر شده بود و
جمعیت همچنان وارد سالن شده و روی
زمین می نشست و یا کنار دیوار می
ایستاد. سیسی، این زن آفریقایی-
آمریکایی از ایالت "مینسوتا"، به خاطر
دفاع از خود در برابر اعمال شوینستی و
علیه انتخاب جنسیت به ۶ سال زندان
محکوم شده بود. او پس از گذشت ۱۹
ماه در پی اعتراضهای فعالان از زندان
آزاد شد. سیسی از روندی که طی آن
فعالیت سیاسی را برگزیده بود اشاره کرد
و گفت که تجربه شخصی اش در زندان
او را تغییر داده است. سیسی گفت:
"برایم مهم نیست مرا در زندان مردها
حس کنید یا در زندان زنان یا اسارتگاه
فراجنسیتیها یا محبس اسب تک شاخ؛



من طرفدار برچیدن زندان هستم."
وی گفت: "در محیط این کنفرانس
متوجه شدم همه می توانند آزادانه حرف
بزنند، می توانند در باره مسایل مهم
کشور گفتگو کنند و باز هم محیطی
صمیمانه داشته باشند و همزمان
هرکس به شیوه ای برای هدفی انسانی
فعال باشد."

سیسی گفت: "مساله من فراتر از
موضوع فراجنسیتی بودن است. وقتی در
باره لغو حکم اعدام حرف می زنیم یا از
موضوعاتی از قبیل مهاجرت، حقوق
زنان، پلیسی کردن بدن ما، حق فرزند
آوری یا حق انتخاب، همه اینها به گونه
ای به هم پیوسته و به من مربوط می
شوند. ما باید بفهمیم که هر محبتی، هر
مبارزه ای به ما و به مبارزه جداگانه ای
که هر یک از ما پیش می بریم، ربط
پیدا می کند."

"روکش"، یک عضو سازمان بین
المللی سوسیالیسم در گردهمایی روز
آخر به تمام شرکت کنندگان یادآوری
کرد که: "یکی از وظایف سازمان این
است که مبارزات و اعتراضات گوناگون

تلویزیونی "دمکراسی، اکنون" را اداره
می کند نیز به سخنرانی با عنوان
"اکثریتی خاموش" پرداخت. وی گفت:
"ما به رسانه ای نیاز داریم که در جهت
منافع دولت کار نمی کند؛ رسانه ای که
در خدمت قدرت حاکم نباشد، بلکه به
جنبشهای مردمی که تاریخ سازند، تعهد
سپرده باشد."
یکی دیگر از جلسات با تیتیر "بدون
عدالت، صلحی در کار نیست" به
سخنران خانواده هایی اختصاص داشت
که فرزندان شان قربانی خشونت پلیس
شده بودند.

سخنرانان دیگری بر مبحث همبستگی
جمعی تکیه می کردند. از این جمله می

- "چشم انداز چپ انقلابی"

- "انقلابیون مصری تسلیم نمی شوند"

- نکاتی آموزنده در باره یونان و پیروزی حزب چپ سیریزا

کنفرانس سوسیالیسم ۲۰۱۴ طی ۴ روز
از ۲۶ تا ۲۹ ژوئن در شهر شیکاگو
برگزار شد. این کنفرانس سالانه یکی از
بزرگترین گردهماییهای چپ در ایالت
متحده آمریکا است. ۱۴۵۰ نفر در این
کنفرانس شرکت کرده بودند که این
شماره، ۱۰۰ تن بیشتر از سال گذشته
است. نزدیک به ۱۵۰ جلسه سخنرانی
در این مدت برگزار شد که در این
نوشتر به برخی از مباحث آن پرداخته
می شود.

لازم به تذکر است که فعالان سازمان
چریکهای فدایی خلق ایران امسال نیز
مانند سالهای گذشته در این کنفرانس
شرکت کرده و با پخش منشور سازمان
و خبرنامه ای که نقض حقوق بشر و
وضعیت وخیم کارگران و زحمتکشان
ایرانی، زندانیان سیاسی و اعدامهای
سراسر اور را شرح می داد، به توضیح
نگاه و رویکرد سازمان و افشای رژیم
جمهوری اسلامی پرداختند.

در کنفرانس سوسیالیسم ۲۰۱۴،
نمایندگان و فعالان آمریکایی،
فلسطینی، مصری، یونانی و غیره حضور
داشتند. همچنین اعضا و نمایندگانی از
احزاب چپ از فرانسه، ایتالیا، آلمان و
انگلیس نیز به سخنرانی و گفتگو
پیرامون انتخابات پارلمانی اروپا
پرداختند.

اشتیاق و شوق شرکت کنندگان در این
کنفرانس به خاطر محیط دوستانه و
رفیقانه و همینطور فرصتی که برای
آموختن و بیان نظرات و آموخته ها و
تجربیات خود پیدا کرده بودند، بسیار
نمایان بود. در این باره، "نیکل
کلسون"، یک عضو سازمان بین المللی
سوسیالیستی، گزارشی تهیه کرده که
طی آن با شرکت کنندگان به گفتگو
پرداخته و بسیار خواندنی است.

"رمی کنازی"، یک هنرمند فلسطینی
از "هنر مردمی و مبارزات سیاسی"
سخن گفت و همان شب طی برنامه
هنری که هر شب برگزار می شد، به
نمایش، برنامه کمدی، شعر خوانی و
اجرای موسیقی پرداخت.

"کلن گرین والد"، روزنامه نگار و وکیل
سرشناسی که اطلاعات "ادوارد
سنودن" را برای اولین بار منتشر کرد،
برای حضور و سخنرانی دعوت شده بود
که به خاطر یک پیشامد فوری
خانوادگی نتوانست شرکت کند.

"امی گودمن"، ژورنالیست رادیکال و
سرشناس آمریکایی که برنامه رادیویی و

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۳۲)

شما هم نمی توانید قول دهید. اما ما به مبارزه ادامه می دهیم.

- نکاتی آموزنده در باره یونان و پیروزی حزب چپ سیریزا سخنران "آنتونیس داوانلوس"، عضو کمیته مرکزی حزب چپ سیریزا در یونان

حزب سیریزا که از ائتلاف ۴ حزب و سازمان تشکیل شده، در سال جاری پیروز انتخابات پارلمانی اروپا در این کشور شد. در باره مهمترین ویژگیهای این پیروزی داوانلوس گفت "۴ نکته اصلی در این رابطه را به شما می گویم: ۱- حزب ما یک میلیون و ۵۰۰ هزار رای در انتخابات پارلمانی اروپا نصیب خود کرد. ۳۳ درصد این رای به بخش کمونیست حزب ما بود. اگر این نتیجه را با دوران پدر و مادرایمان مقایسه کنیم، الان باید به خود بیاییم.

۲- سیریزا اولین حزب چپ در این کشور است که چنین موفقیتی را به دست می آورد.

۳- ما ۴۵ هزار عضو داریم، اما یک و نیم میلیون رای به دست آوردیم.

۴- ما یک دولت چپ در یونان خواهیم بود.

اما یک حفره سیاه اینجا هست. این حفره حزب فاشیستی "فجر طلایی" است. علیه آنها ما باید ۴ اقدام انجام دهیم

۱- ما باید به شتاب برای از برجیدن ریاضت اقتصادی اقدام کنیم

۲- نژاد پرستی و شوینیسم را کنار بزنیم

۳- اجازه ندهیم نازیستها در محلهای عمومی ظاهر شوند

۴- تمام روابط علنی یا غیر علنی آنها را با دولت قطع کنیم

آنتونیس داوانلوس ادامه داد: "نتیجه این انتخابات برای جهان نیز اهمیت داشت. ما نشان دادیم می توانیم سوسیال دموکراتها را نیز کنار زنیم و به احزاب دیگر حتی در ایتالیا کمک کنیم. اما این پیروزی اگر چه بسیار مفید است، کافی نیست.

درصد بیکاری در یونان به ۳۰ درصد رسیده است. کارگران که به نان شب شان محتاج هستند، ۳ سال تمام است که سخت جنگیده اند، اعتصاب کرده اند، با زندان و مرگ روبرو بوده اند، اکنون همه امیدشان به ما است. ما باید مبارزه کنیم و قدرت را کاملا به دست بگیریم. این را هم بگویم که پلیس که پیشتر با خشونت تمام با مردم روبرو می شد، اکنون توقف کرده، چون می داند و فهمیده است که آینده از آن ماست."

وی گفت: "از ما می پرسند چرا تروتسکیست هستیم. خوب ما افتخار می کنیم که تروتسکیست هستیم. در حزب سیریزا، در حزب دموکراتیک سیریزا، احزاب رادیکال و غیره وجود دارند. ما اعلام می کنیم که از هدف مشترک مان کوتاه نمی آییم."

کنفرانس سالانه سوسیالیسم ۲۰۱۴ با خواندن دستجمعی سرود انترناسیونال به پایان رسید.

زبانی بوجود آورده. مثلا در یونان ۴ حزب مستقل وجود دارد که با هم در اتحاد هستند. ما باید بتوانیم مانند سیریزا بسازیم. اما ساختن اینطور نیست که خود به خود انجام گیرد، بلکه باید کنار هم کار کرد. ما باید از همه زوایای زندگی با مردم در ارتباط باشیم. سازمان ما این کار را می کند و به نظرم بسیار هم مثبت بوده است. باید فرهنگ بحث و گفتگو و روبرو شدن با نظرات را گسترش بدهیم."

- "انقلابیون مصری تسلیم نمی شوند" مصطفی عمر، فعال مصری ساکن مصر نخست پیام انقلابیون مصری را به اعضا و هواداران کنفرانس رساند. وی اطمینان داد که مبارزات و حمایتهای آنان تاثیر مهمی بر فعالان جنبش مصر گذاشته است.

او گفت: "ضد انقلاب از همان روزی که انقلاب ما آغاز گردید، دست به کار شد، اما ما تسلیم نمی شویم. چالشهای ما در مصر همانهایی است که در سراسر جهان با آن روبرو هستیم."

وی افزود: "اگر چه انقلاب مصر نشان داد که چگونه مردم عادی توانایی تغییر جهان را دارند، اما امروز آنها از رویدادهای رخ داده پس از آن مایوس شده اند. مردم ما خسته شده اند و می گویند انقلاب شکست خورده. اما ما به پیروزی نهایی باور داریم و به همین



دلیل به مردم می آموزیم که از شکستها تجربه بگیرند. ما باید چپ را بسازیم و چهره آلترناتیو را به مردم نشان دهیم. ضد انقلاب ثبات ندارد و به همین دلیل باید از اشتباهاتمان یاد بگیریم و جلو رویم، باید سازماندهی کنیم.

در حال حاضر در مصر حتی کارگران نمی توانند متشکل شوند. رفقای ما در زندان هستند. آنها تصمیم گرفته اند مبارزه را ادامه دهند و می گویند "مرگ بر حکومت نظامی"، پس چرا ما نگوئیم و ادامه ندهیم."

وی در خاتمه گفت: "من قول نمی دهم پیروز می شویم، به همان دلیل که

نباشد، ولی اعتراضهای کارگری وجود دارد."

رفیق زن دیگری می گوید: "بیاید از راهکارهای گذشته استفاده نکنیم. به ما می گویند بیا عضو سازمان شو، ولی اول بگو استراتژی حزب ات چیست؟"

رفیقی پیشنهاد می کند: "بیاید مبارزات کوچک مردم را به هم وصل کنیم. ارتباطات قطع شده باید وصل شوند. باید به یکدیگر پیوند بخوریم. سوسیالیسم را باید به زندگی مردم پیوند داد. باید آن را به درون زندگی مردم ببریم، آنها باید بدانند سوسیالیسم چیست که برایش مبارزه کنند."

یک رفیق دیگر گفت: "باید راهی پیدا کرد که با گروههای دیگر همکاری کنیم. چکار کنیم که ضمن بحث و انتقاد، بتوانیم باز هم با هم کار کنیم؟ من از یک گروه چپ دیگری هستم، شما چکار کردید که بتوانیم با هم کار کنیم؟"

دیگری گفت: "دعوت ما همیشه اینطور است که گوئیم چه کسی حاضر است با ما کار کند، یعنی آوردن دیگران و گروهها زیر چتر خود. اینطور نمی شود چپ را ساخت. برخی حتی می گویند اگر با ما همراه نشوی، جدایی انداخته ای. چپ باید بتواند انتقادات و بحثهای سازنده با دیگران داشته باشد."

یک رفیق در انتقاد به احمد شاکی گفت: "چرا باید به طبقه کارگر بگوئیم

بقیه از صفحه ۵

پاسخی برای آن داشت؟ پاسخ من این است که باید از کارهای کوچک آغاز کنیم تا بتدریج به کارهای بزرگ برسیم."

احمد شاکی افزود: "اکنون برخی از نیروهای چپ تصور می کنند تشکیلات و سازمانیابی یک جریان انقلابی به معنی عقب ماندگی است، تمهید به هر امری مورد انتقاد قرار می گیرد و هر اتفاقی را به گردن نیروی سازمان یافته یا مردم فقیر می اندازند.

اما مارکسیستها برای اینکه بتوانند به یاری زحمتکشان بروند، هر کاری هم بکنند، در انتها باید سازمان یافته باشند. باید سازمان انقلابی قوی ساخت، باید جوانان و دانشجویان را برای سازماندهی نسل آتی به میدان کشید."

هنگام گفتگو یکی از رفقا مطرح کرد: "چرا به میزانی که باید، به بحران اقتصادی اعتراض نمی شود، چرا ما بزرگ نشدیم، چرا از انترناسیونال دوم تاکنون، چپ کمتر از سرمایه داری سازماندهی داشته است؟"

دیگری گفت: "در قرن بیستم کارورزان می دانستند به طبقه کارگر تعلق دارند، اما حالا کسی نمی داند خودش هم جزو طبقه کارگر است."

رفیق دیگری در ادامه تاکید کرد: "ما باید سازمان را بیشتر معرفی کنیم. باید به عضو گیری مثبت تر و فعال تر بپردازیم."

یک رفیق زن گفت: "در دانشگاهها دانشجویان فقیر زیاد هستند. باید برای آنها جایی باشد که صحبت کنند. باید موقعیت برایشان به وجود آورد، برای افرادی مانند خود من که از خوابگاه دانشگاه بیرونم انداختند چون پول پرداخت کرایه را نداشتیم."

دیگری گفت: "چرا چپ اصلا سازماندهی ندارد؟ وضعیت چپ تا بحال به این بدی نبوده. در ۱۹۲۰ بزرگترین اعتصابات می شد، ولی ما هیچ حرکت بزرگی مانند آن دوره نداریم. باید بفهمیم چرا؟"

یک رفیق معترضانه گفت: "اینطور نیست که اتفاقی نیفتاده. ما انقلاب مصر و غیره را دیدیم که هنوز به پایان نرسیده، روی آن باید سرمایه گذاری کرد. ما مبارزات کوچک و پراکنده زیاد داریم، باید آنها را به صورت یک پروسه ببینیم. پروسه همیشه داری کاستیها، عقب نشینیها و... است. باید روند کارکردن با دیگر گروههای چپ را طی کنیم، باید فرصتها و موقعیتها را بوجود بیاوریم. من فکر نمی کنم الان بدترین دوره تاریخی است. تغییرات بزرگی در زندگی مردم به خاطر مبارزات آنها صورت گرفته. شاید شکل و شیوه اعتراضها و مبارزات با گذشته فرق داشته باشد و مثل ۱۰۰ سال پیش

باخته ایم، پیشرفت نکردیم؟ پرولتاریا طبقه ای است که به پیش می رود. باید این واقعیت را بگوئیم که طبقه کارگر درحال پیشروی است، طبقه کارگر برمی خیزد. باید با طبقه کارگر اینطور برخورد کرد که گفت طبقه تو دارد جلو می رود. رفتارمان اینطور باید باشد."

احمد شاکی در پاسخ به این گفتگوها گفت: "بحث سر این نیست که تغییری صورت نگرفته، بلکه بر سر این است که باید بسازیم. بسازیم و سازماندهی کنیم. من موافق این نیستم سازمانی خودش را منحل کند به امید اینکه چیز بزرگتری بسازد. این کار مشکلات

سقوط اقتصادی و دولت روضه خوان

جعفر پویه

اقتصاد بیمار ایران در حالت احتضار قرار دارد و نفس آن به شمارش افتاده است. زهر جانسوز بانک جهانی و صندوق بین المللی پول یعنی "هدفمندی یارانه ها" که توسط پادوهای آن اجرایی شد، این روند را سرعت بخشید. اکنون صدای شکستن استخوان افشار کم درآمد و مزدبگیر است که در زیر بار تورم و گرانی به گوش می رسد. بیکاری، خانه خرابی و گرسنگی بدون هیچ چشم اندازی به بهبود در آینده، بیداد می کند و هیچ گوشی، شنوای فریاد مردم به جان آمده نیست.

بشارت دهندگان غیب شده اند همین دیروز بود که تحلیلگران ریز و درشت اقتصادی و چاکران آستان اقتصاد نو - لیبرالی همه تریبونهای ممکن را قبضه کرده و در مدح و ثنای قطع سوبسید کالاهای اساسی و مزایای آن داد سخن می دادند. وعده های آنان در آستانه ورود به اقتصاد بازار محور و در باغ سبزی که وجود نداشت، گوش فلک را کرده بود. اما اکنون این پا اندازان صندوق بین المللی پول و بانک جهانی غیب شده اند، تریبونهای صاحب نام و پر هیاهو خط عوض کرده، جماعت را وعده های دیگری می دهند و راه بهشت را با قطب نمای اربابان شان در جهت تازه ای یافته اند.

آنها که تا همین دیروز برای اجرای طرح هدفمندی یارانه ها دست افشانی می کردند و وعده می دادند که به زودی دروازه های عدن سرمایه داری را فتح می کنند، کجای این جهان بی در و پیکر خفت کرده اند که صدایشان به گوش نمی رسد؟ چرا اکنون دم فرو بسته اند و وعده های خود را پیگیری نمی کنند تا بگویند چه بر سر اقتصاد نیمه جان و بیمار کشور آمده که همان لقمه نان اندک نیز از سفره بسیاری پرکشیده است؟

توجیه های شتر مرغی هم هیچ کسی را راضی نخواهد کرد؛ که گویا اگر "این" می کردند، "آن" می شد و یا آنکه مجریان طرح نالایق بودند و از این دست ترهات، چون این بهانه ها از قبل نیز قابل دیدن بود. صدای اعتراض بسیاری که نسبت به عاقبت این سیاست هشدار می دادند، در بوق و کرنای رسانه های طرفدار و رنگارنگ و القاب پر طمطراق و دهن پرکن این تحلیلگران گم شد تا بتوانند همانند دیگر کشورهایی که این طرح آنها را به خاک سیاه نشانده، مردم ایران را نیز به همان منجلابی بکشاند که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول

تا کنون کشانده است.

و اکنون اقتصادی در حال احتضار، دولت و رژیم می سران آن گناه را به گردن یکدیگر می اندازند و مردمی که در زیر بار عواقب این طرح به دست و پا زدن مشغولند، اما غوغاییان که دستمزد عمل خود را دریافت کرده اند، به خلال کردن دندانهایی مشغولند که گوشت و پوست مردم فقر زده و گرفتار ایران را جویده است.

اکنون که اندکی از عاقبت این بی خردی نمایان شده، دولت و رژیم که تا خرخره در بحران غرق اند، نمی دانند چگونه می شود از این باتلاق بیرون رفت. دست و پا زدنهای شان بیشتر آنان را فرو می برد و تلاش مذبحخانه آنها نیز راه به جایی نمی برد، زیرا آنچه اینان می کنند همچون نفت ریختن بر آتش است که نه تنها آنرا کنترل نمی کند، بلکه شعله ها را سرکش تر خواهد کرد.

کارنامه پروژه فقیرسازی

اما روایت حکومتی و دولتی از آنچه تا کنون پدیدار شده خود شنیدنی است. دولت حسن روحانی که با وعده حل و فصل مشکل به مدت صد روز سرکار آمد، خوب می دانست که نه تنها صد روز، بلکه سالها وقت خواهد برد تا بتوان خسارات بار آمده از آنچه نسخه پیچان بانک جهانی بر سر اقتصاد کشور آورده اند را اندکی ترمیم کرد. این دولت برای توجیه اینکه چرا نتوانسته به وعده خود جامه عمل بپوشاند، اقدام به انتشار اعداد و ارقامی کرده که خود گواه گوشه ای از خسارت به بار آمده است.

چقدر در مدح و ثنای پرداخت یارانه نقدی گفتند و نوشتند، چقدر گفتند حالا دیگر حق هر نداری که کمتر از این سوبسیدها استفاده می کنند تا خود در مورد پرداخت می کنند آن تصمیم بگیرد، چقدر اراجیف بافتند و خاک به چشم مردم پاشیدند که نوشداری حل اقتصاد ایران را یافته اند، اما اکنون نشیبه رسمی وزارت اقتصاد و دارایی دولت روحانی می نویسند: "مردم ایران پس از دریافت یارانه، فقیرتر، قدرت خرید آنها کمتر، تعداد افراد زیر خط فقر افزایش داشته و صنعت کشور ورشکسته شده است."

گزارش همچنین تصریح می کند: "قبل از اجرای هدفمندی یارانه ها، ۲۵ درصد مردم زیر خط فقر بودند، این رقم اکنون به ۳۱ درصد رسیده است."

این حاصل بررسی نتایج فاز اول هدفمندی یارانه هاست که کارشناسان دولتی وزارت اقتصاد به آن رسیده اند. وزارت مسکن و شهرسازی نیز گزارش می دهد: "قدرت اقتصادی خانواده ها در دور اول اجرای هدفمندی یارانه ها در مجموع ۲۵ درصد کاهش داشته است. همچنین تعداد خانواده هایی که اجاره نشین شده اند نیز افزایش پیدا کرده است."

دولت روحانی که با وعده حل مشکل مردم سر کار آمد، همه توان خود را به کار گرفت تا مردم را از دریافت یارانه نقدی منصرف کند؛ یعنی مردمی که دولت با گران کردن حاملهای انرژی و کالاهای اساسی به زیر خط فقر رانده را تشویق می کند که همان اندک یارانه ای که بخشی از پرداخت خود آنها به دولت به دلیل اضافه پرداخت به حاملهای انرژی و کالاهای اساسی است را نیز دریافت نکنند. دلیل اینکه چرا دولت راه دیگری برای حل و فصل این مشکل انتخاب نمی کند، به ماهیت ضد مردمی آن باز می گردد.

پاسخ مردم به درخواست دولت، خود گواه عمق فاجعه فقر و به رسمیت نشناختن رژیم را نشان می دهد. وزیر دارایی، علی طیب نیا، ادعا می کند که ۱۰ میلیون ثروتمند در کشور شناسایی شده اند، اما در پایان مهلت انصراف از دریافت یارانه، رقم انصراف دهندگان آنچنان ناچیز است که دولت را مجبور به یافتن ساز و کار دیگری می کند. زیرا پرداخت چنین حجمی از پول نقد از توان آنها خارج و عاقبت اش نیز فاجعه بار است.

بی لیاقتی و فساد به روایت آمار

دولت در گزارشی که منتشر کرده، در مورد رکود تورمی و علل بروز آن توضیح می دهد و سعی می کند به ناظران بقولاند که مشغول بررسی چگونگی برون رفت از آن است. در گزارش ۱۴ صفحه ای دولت آمارهایی وجود دارد که وحشت آور است. طبق این گزارش "حتا در سالهای جنگ ایران و عراق نیز سابقه نداشته دو سال پی در پی (سالهای ۹۱ و ۹۲) میزان رشد تولید ناخالص ملی منفی و همزمان تورم بالای ۳۰ درصد باشد."

هرچند دولت روحانی سعی می کند همه مشکلات را به گردن دولت احمدی نژاد بیندازد، اما واضح است که نهادهای پر قدرتی همچون شورای امنیت ملی، مجلس آخوندی و دیگر نهادهای ناظر و از همه بالاتر، رهبر و ولی فقیه رژیم که هیچ مقام و نهادی بدون اجازه او آب نیز نمی نوشد، از مسوولیت این فاجعه برکنار نیستند و همه آنان در این ماجرا شریک جرم محسوب می شوند. دولت درآمد سرسام آور نفتی دهه ۸۰ را یکی از علل این اتفاق می داند و حجم بالای پولی که در اختیار دولت قبلی بود را مشوق آنها به این خرابکاری فاجعه بار قلمداد می کند. به همین دلیل طرحهایی همچون بنگاههای زود بازده، مسکن مهر و پرداخت یارانه های نقدی، رقم زننده فاجعه معرفی می شود. عباس آخوندی، وزیر راه و شهر سازی دولت روحانی ادعا می کند: "۴۰ درصد از تورم در زمان انتقال دولت مربوط به اجرای پروژه مسکن مهر بوده و دست کم ۵ دولت آینده نیز گرفتار موضوعات مربوط به آن خواهند بود."

گزارش دولتی از موضوعاتی همچون سیاست گذاری نرخ سود بانکی، نرخ ارز

و قیمت حاملهای انرژی از عناصر کلیدی اوضاع نابسامان اقتصادی نام می برد.

آنچه دولت به آن نمی پردازد این است که چه کسانی در دولت گذشته در بازی با نرخ سود بانکی و یا نرخ ارز درآمدهای نجومی به جیب زده اند و یا چرا بعضی از نورچشمیها با وامهای صوری بانکها را ورشکسته کرده و حاضر به باز پرداخت بدهی خود نیستند؟ و آیا دولت می تواند یا می خواهد این بدهکاران را وادار به پرداخت دیون خود کند یا نه؟ اگر آری چه راهکاری را در دست دارد و چگونه می خواهد جلو این شیوه از غارتگری را بگیرد؟

بدون قطع کردن دست دزدان و غارتگران وابسته به نهادهای حکومتی و یا آقازاده های آخوندهای گردن کلفت، امکان ندارد دولت موفق شود تا قدمی را جهت بهبود اوضاع کنونی بردارد.

اما تا اینجای کار تنها سطح فاجعه نمایان گردیده و اصل باتلاق آشکار نشده است.

در ۲۱ تیرماه امسال خبرگزاری حکومتی "ایرنا" به نقل از محمد علی ابریشمی، مدیر عامل سازمان صنایع کوچک و شهرکهای صنعتی خبر می دهد که ۷۰ درصد واحدهای تولیدی (۱۴ هزار واحد صنعتی) در شهرکهای صنعتی تعطیل شده اند. همچنین خبرگزاری حکومتی "ایسنا" شنبه ۲۱ تیر در گزارشی به نقل از محمد لاهوتی، نایب رییس کنفدراسیون صادرات می نویسد: "تعداد واحدهای صنعتی تعطیل شده اگر بیشتر از آنچه که وزیر صنعت اعلام کرده نباشد کمتر نیست. اگر سری به شهرکهای صنعتی بزنیم، به وضوح این وضعیت قابل ملاحظه است."

محمد لاهوتی علل تعطیلی این واحدهای تولیدی را "تورم لحام گسیخته، کمبود نقدینگی، عدم امکان رقابت با کالاهای خارجی، غیرواقعی بودن نرخ ارز و صرفه واردات، صرفه قاچاق با توجه به نرخ ارز، مشکلات سیاسی و تحریمهای بانکی طی پنج سال گذشته" می داند.

از سوی دیگر عباس وطن پرست یک فعال کارفرمایی، شهرکهای صنعتی را "قبرستانهای صنعتی" می نامد و به فساد اداری و حکومتی اشاره کرده و می گوید: "به عنوان مثال در دولت فعلی طبق بخشنامه بانک مرکزی برای مقابله با رانت خواری و تطمیع، عنوان شد اگر کسی بدون وثیقه یا با یک طرح غلط از بانک وام بگیرد، وام گیرنده مقصر است و کارمندان بانکی که وام را تصویب کرده اند، از عقوبت میرا هستند."

بقیه در صفحه ۸

سقوط اقتصادی و دولت روضه خون

بقیه از صفحه ۷

وجود یک فرد امنیتی یعنی علی ربیعی در رأس وزارت کار و سیاست ضد کارگری و ضد مردمی آن از یک سو و بخشنامه های دولتی برای باز گذاشتن دست عوامل خود در زد و بندهای پشت پرده برای اختلاس و غارتگری همه و همه دست به دست هم می دهند تا شهرکهای صنعتی تبدیل به قبرستان صنعت گردد. تعطیلی ۷۰ درصد واحدهای تولیدی به معنای بیکار شدن کارگران و نیروهای تولیدی این کارگاههاست. این یعنی خانوارهای بسیاری همان نان بخور و نمیر را نیز از دست داده و به صف لشکر بیکارها اضافه شده اند. به زبان دیگر، هیچ امنیت شغلی وجود ندارد و برای هیچکدام از دو طرف این معادله، چشم اندازی متصور نیست.

حکایت زد و بندهای نهادهای حکومتی در واردات و دست داشتن آفازاده ها و پایوران رژیم در این اعمال و بازی با سود بانکی و نرخ ارز از یک طرف و وجود اسکله و فرودگاههایی که بدون هیچ حساب و کتابی واردات بنجلهای خارجی را امکان پذیر می کنند و تبدیل ارز خارجی به کالا و تبادل آن با نرخهایی که پول ملی را به کاغذ پاره تبدیل کرده، عواملی هستند که نه تنها تورم را دامن می زنند، بلکه باعث می شوند تا روز بروز رکود بیشتری در تولید و بازار حاکم شود.

جنس این غارتگران ثروت ملی و نابود کنندگان اقتصاد کشور را آقای وطن پرست اینگونه توصیف کرده است: "ایران جایی است که در آن یک موسسه مالی - اعتباری با سود ۴۰ درصد سریال تلویزیونی می سازد درباره گناه نزول خوری با سود ۷ درصد."

یعنی در کشوری با حاکمیت نماینده خود خوانده خدا در روی زمین، روز به روز قدرت خرید مردم، به ویژه مزدبگیران کمتر می شود و موسسات و دست اندرکاران غارتگر و وابسته به نهادهای حکومتی فربه تر شده و به شکرانه سر بر مهر می ساینند و در ضم ربا و ریا و نزول داد سخن می دهند و بقیه می دراندند.

راه حل اقتصادی یا باج و خراج سیاسی؟ اما راهکار دولت برای برون رفت از رکود تورمی چیست و چه کاری می خواهد انجام دهد؟

سخنگوی دولت، محمد باقر نوبخت روز چهارشنبه ۱۸ تیر سال جاری در پایان نشست هیات دولت به خبرنگاران گفت: "برای خروج از رکود اقتصادی بیش از ۱۸ میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی برداشت و هزینه می شود."

اما این پول چگونه و کجا هزینه خواهد شد؟ خبرنگاری حکومتی "ایرنا" از قول نوبخت می نویسد: "براساس این مصوبات، ۴ میلیارد دلار برای طرحهای پارس

جنوبی، ۴ میلیارد دلار برای احداث نیروگاهها، ۳ میلیارد دلار برای صنایع بالادستی نفت و ۲ میلیارد دلار برای فعال کردن چرخه تولید فولاد اختصاص یافت."

در یک نگاه سردستی به صورت حساب مزبور می توان فهمید که تا اینجا ۱۳ میلیارد دلار به کیسه سپاه و شرکتهای اقماری آن سرازیر می شود. در ادامه نوبخت می گوید: "همچنین ۲ میلیارد دلار برای پالایشگاهها و پتروشیمیها، یک میلیارد دلار برای حمل و نقل، ۵۰۰ میلیون دلار برای بخش کشاورزی و یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار نیز برای سایر صنایع اختصاص داده شده."

از آنجا که پتروشیمی و حمل نقل نیز سهم سپاه و شرکتهای دولتی است، می ماند دو رقم بخش کشاورزی و سایر صنایع که در اصل رقم قابل توجهی در مقایسه با بقیه نیست. حال با چنین حاتم بخشی دولت از کیسه ملت به نهادهای نظامی و امنیتی، چگونه می شود معضل اقتصاد را حل کرد و تورم را کاهش داد؟ کدامیک از ارقام درشت فوق کاهش دهنده تورم یا رکود هستند؟ سپاه که تا کنون برای توسعه میدانهای نفتی و گازی ارقام درشت تر از اینها دریافت کرده و هیچ کاری انجام نداده، حال چگونه می خواهد برای معضلی که خود بخشی از آن است، دست به کار شود؟

سپاه و نهادهای امنیتی خود بر باد دهنده اقتصاد و یکی از مشکلات اساسی و معضل بزرگ کشور هستند. این نهادهای نظامی و امنیتی پولهای دریافتی برای توسعه میدانهای گازی و نفتی را وارد بازار سپاه و خرید و فروش و چرخه دلالی می کنند. اینها نه تنها قادر به کنترل و یا مهار بحران نیستند، بلکه خود آفریننده آن هستند. حال دولت روحانی با در اختیار آنها قرار دادن بخشی بزرگی از ثروت ملی که در صندوق توسعه ملی گردآوری شده، نه تنها آن را به باد می دهد، بلکه بر این چرخه فساد تاکید و آن را تقویت می کند. به زبان دیگر، دولت روحانی گرگ را چوپان کرده و انتظار امنیت از او دارد!

در انتها

از هم اکنون می شود گفت این دولت قادر نیست اتفاقی که افتاده و خرابی بیار آمده را ترمیم کند، انتقاد از دولت قبلی که برکشیده رهبر و ولی فقیه رژیم بود نیز نمی تواند برای آن مشروعیتی دست و پا کند، زیرا او نیز به راهی می رود که دولت احمدی نژاد رفت؛ تفاوت آنها فقط در شیوه و نوع عمل آنان و بازی با کلمات است، وگرنه نتیجه کار همان می شود که تا کنون بوده است.

به یک زبان، دولت حراف و یاوه گوی روحانی نه تنها قادر به کنترل بحران و ترمیم اقتصاد درحال احتضار نیست، بلکه با تداوم سیاستهای خانمان برانداز گذشته، آن را جان سخت تر و انرژری تازه ای به روند سقوط اقتصاد ایران می دهد.

رفتار با رضا شهبابی، جلوه بارز نقض حقوق بشر و حقوق کارگران و زحمتکشان

۲۷ روز از اعتصاب غذای خشک آقای رضا شهبابی، خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه می گذرد. این کارگر مبارز و عدالت خواه سرانجام به علت وخامت سلامت و پس از اعتراضات گسترده به بیمارستان منتقل شد. وی که در تخت بیمارستان بر دستانش دستبند زده شد و سرپازی را بالای سرش به نگیبانی گذاشتند، یک تپهکار دزد که میلیونها و میلیاردها تومان از ثروت مردم را به جیب زده اما آزاد می گردد نیست؛ او به خاطر اعتراض به حکم ناعادلانه ۶ سال زندان، بازگشت به محل قبلی اسارت خود در بند ۳۵۰ زندان اوین، مرخصی برای درمان و عمل جراحی و حتی اجرای قوانین خود رژیم دست به این اقدام اعتراضی جانگناه زده است.

خانم ربابه رضایی، همسر آقای شهبابی در باره وضعیت جسمی او می گوید: "رضا از ناحیه کمر، گردن و کلیه به

شدت ناراحت و همینطور سوزش معده شدید دارد، نزدیک به ۱۷ کیلو وزن کم کرده و دکتر معالج وی گفته است که باید تحت عمل جراحی قرار بگیرد و بعد از عمل جراحی هم نه زندان، بلکه باید در خانه به استراحت بپردازد."

روز گذشته روحانی، رییس

جمهور رژیم پس از مقداری دروغ بافی و حيله گری از ۶ کشور بزرگ که تلاش می کنند رژیم وی را خلع سلاح اتمی کنند، خواست در "چارچوب مقررات بین المللی"، "احترام و تواضع" کنند. این در حالیست که فدراسیون بین المللی

کارگران حمل و نقل که سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه عضو آن می باشد، بارها تعهدات بین المللی جمهوری اسلامی در مورد رفتار و عملکرد مطابق با حقوق بشر بین المللی و استانداردهای جهانی نیروی کار را یادآوری کرده. این فدراسیون جهانی ضمن اعتراض به رفتار با آقای شهبابی می گوید که جمهوری اسلامی وعده وعیدهایی که می دهد را "به طور مداوم زیر پا می گذارد" و هیچ کارگری برای فعالیتهای اتحادیه ای نباید به زندان افکنده شود.

آقای شهبابی طی روزهایی که در اعتصاب غذا بود و یا در بیمارستان بسر برده، از سوی مدافعان حقوق زحمتکشان و حقوق بشر در سراسر جهان حمایت گشته و رفتار با وی و دیگر کارگران زندانی مورد تنفر و مدافعان، فعالان و خانواده وی به ملاقات وی رفته اند و حمایت جامعه ایرانی را با وجود جو سرکوب و تهدید به وی ابراز داشته اند.

رفتار ظالمانه با آقای شهبابی و دیگر زندانیان کارگری نشانه وحشت حکومت ضد کارگر رژیم ولایت فقیه از نیروی بزرگ و شکست ناپذیر کارگران و زحمتکشان است.

ما از این مبارزات با همه توان حمایت می کنیم و بر زحمتکشان مبارز کشورمان درود می فرستیم. ما در کنار دیگر هموطنان به اعتراض و افشاگری علیه این رفتار ستمگرانه ایستاده ایم.



فراسوی خبر.. شنبه ۲۸ تیر

تداوم نبرد در عراق با وجود تشدید سرکوب و حضور داعش

آناهیتا اردوان

مشاور خود در صف مقدم جبهه های عراق حضور دارند. گزارش مزبور ادامه می دهد که حضور مزبور بیانگر میزان وابستگی دولت مالکی به رژیم ایران است.

در روزهای اخیر رهبران شورای نظامی عراق نیز مرزبندی خود را با رژیم ولایت فقیه تشدید کرده اند. شیخ علی حاتم، امیر قبایل دیلم عراق و رییس شورای نظامی عشایر این کشور، در مصاحبه ای با تلویزیون "العربیة" به گزارش وبگاه مجاهدین، به صراحت ابراز داشت که جنگ آنها برای پایان دادن به دخالت رژیم ایران است. وی ادامه داد: "انقلابیون عمد دارند و اصرار دارند که به بغداد برسند تا آنچه را سیاستمداران خراب کرده اند، اصلاح کنند. ما گفتیم سلاح را رها نخواهیم کرد و می ایستیم تا همه حقوق مان و حقوق اهل سنت را که به تاراج رفته، به دست بیاوریم و همه انقلابیون از این انقلاب سود می برند."

شیخ علی حاتم گفت: "ما ثابت کردیم که جنگ ما علیه ظلم است و نه علیه شیعه. دخالت رژیم ایران به طور روشن وجود دارد، لذا می گوییم که ما جنگی با شیعه نداریم بلکه جنگ ما با یک رژیم فاسد سیاسی است که رژیم ایران آن را مورد حمایت قرار می دهد، اکنون همه دنیا می دانند که دخالت رژیم ایران به عراق محدود نمی شود، بلکه در لبنان، یمن، بحرین و همه کشورهای خلیج فارس ایجاد مشکل و بحران می کند. ما اعلام می کنیم تا همه دنیا و اعراب بشنوند، جنگ ما در عراق، جنگ برای از بین بردن دخالت رژیم ایران در عراق است."

جمع بندی

حضور داعش به عنوان نیروی ارتجاعی که از سوی امپریالیسم و دولتهای منطقه، به ویژه استبداد حاکم، در جهت منافع و مطامع آنها مورد استفاده قرار می گیرد، نه تنها قادر به تضعیف و به حاشیه راندن مقاومت پیکارگران برانداز نبوده، بلکه فعالیت آنان را حول تاکتیک رویارویی با دشمن اصلی شدت داده است.

حمایت از نبرد جهت براندازی ساختار سیاسی حاکم بر عراق از آنجا که سیاستهای ارتجاعی ولایت فقیه در منطقه را نشانه گرفته و تفکیک آن از داعش که با حمایتهای رژیم قصد تخریب و گمراه سازی افکار عمومی و مبارزه اصلی را دارد، دارای اهمیت بسیاری است. این مبارزه با هدف کوتاه ساختن دست تروریسم دولتی ولایت فقیه و در دفاع از استقلال و منافع و حقوق خلقها سزاوار پشتیبانی روشنفکران چپ و مدافع حقوق زحمتکشان است.

پانویس

On resistance to the oil 1. law. Mirak Weissbach, Iraqi resist US pressure to enact oil law

تشدید صف بندیها

نمایندگان ائتلافهای سیاسی مختلف در هرم حاکمیت با نشستهای پی در پی که تاکنون بی نتیجه مانده است به دنبال رهیافتی جهت تشکیل دولت جدید بدون نوری مالکی هستند. تاکنون نوری مالکی نه تنها هر گونه تلاش جهت تشکیل دولت وحدت ملی را رد کرده، بلکه کماکان به بهانه حضور داعش به سرکوب مردم مبادرت می ورزد. البته اگر نوری مالکی وحدت را نیز بپذیرد، وحدتی بر پایه استبداد گانگستری پیشین خواهد بود.

باوجود تداوم مبارزه قهرآمیز برای سرنگونی دستگاه حاکمه و وضعیت بحرانی به دلیل حضور داعش در عراق، وضعیت این کشور در مقایسه با ماهها پیش تغییر کرده است. اما تغییر شرایط هیچ تاثیری در تاکتیک احزاب مخالف یا اپوزیسیون دولتی نگذاشته است. تکیه یکجانبه به دیپلماسی با وجود سرکوب و سماجت نوری مالکی در کنترل اهرمهای قدرت از سوی احزابی که خود را نمایندگان مردم، به ویژه سنیها به حساب می آورند، یکی از دلایلی بود که مبارزه مسلحانه را به گردانهای اجتماعی و افشار تحت ستم ملی تحمیل کرد. این امر، موقعیت رهبران احزاب مخالف درون حکومتی را در جنبش به حاشیه کشانده و رهبران عشایر را به دلیل اتخاذ تاکتیک و موضع ریشه ای و صریح تر، جای آن گذاشته است.

به گزارش وبگاه سازمان مجاهدین خلق ایران، "شیخ علی حاتم"، امیر عشایر "دیلم" عراق در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام کرد: "ما مالکی را به کناره گیری از قدرت فرا می خوانیم و به او می گوئیم وارد کردن اتهام تروریسم به سنیهای عراق، متهم کردن کشورهای عربی و برخی کشورهای همسایه به حمایت از تروریسم و متهم کردن برادران کرد به پناه دادن به تروریستها و فراخوان به تقسیم عراق، دلیل واضحی بر واپسته بودن تو به رژیم ایران و کار کردن برای اجرای پروژه آنها در عراق و دلیل پیروی مطلق تو از ولایت فقیه است."

وی اضافه کرد: "این دلیل واضحی است بر این که حکومت تو بر عراق غیرممکن است، به خاطر اینکه تو خطری برای وحدت و یکپارچگی عراق و امنیت آن هستی."

در این میان، رژیم ولایت فقیه به طور آشکار با گسیل نیروهای بیشتر، بحران در عراق را هر چه بیشتر دامن می زند. این سیاست دیگر جای هیچ شک و تردیدی باقی نگذاشته است که این رژیم یکی از مسوولان اصلی ایجاد وضعیت ناپهناجر در کشور همسایه ما، عراق است. به گزارش اسوشیتدپرس، ۲۷ تیر، قاسم سلیمانی به همراه ۱۲۰

مدرسه ای گردهم آمدند و با صدور بیانیه ای خواستار خروج نیروهای اشغالگر گردیدند. حمله نیروهای آمریکایی و به قتل رساندن سیزده نفر از شرکت کنندگان در "فلوجه"، سبب تولد جنبش ملی نوینی در عراق گردید. در نخستین روزهای ماه نوامبر سال ۲۰۰۴، سربازان آمریکایی به تخریب کامل شهر فلوجه پرداختند و تعداد زیادی از افراد غیرنظامی و مخالفان اشغال را به قتل رساندند. نیروی سرکوبی دولت آمریکا، حمله به شهر مزبور را مشکل ترین و سخت ترین جنگ و جدال بعد از جنگ خانه به خانه در شهر "هیو" ویتنام در سال ۱۹۶۸ نامید. بدین ترتیب، عراق ویتنام دیگر آمریکا گردید. شهر فلوجه که بارها توسط نیروهای سرکوبی مالکی مورد تهاجم هوایی قرار گرفته، به کانون مقاومت علیه اشغالگری بدل گردید. مقاومت علیه سیاستهای امپریالیستی با نخستین انتخابات فرمایشی پایان نگرفت، بلکه نوک تیز حمله را به سوی دولت نوری مالکی به مثابه فرد مورد حمایت آمریکا و البته رژیم ولایت فقیه نشانه گرفت. پافشاری و ایستادگی علیه خصوصی سازی نفت و گاز حتی در روزهای نخستین اشغال کشور شکل گرفت.

کارگران صنعت نفت استان "الانبار" مخالفت خودشان را کمابیش با اعتصاب و کم کاری آغاز کردند. این رویارویی با گذشت زمان به جنبشی علیه دولت اشغالگر تبدیل گشت. در دومین نشست کارگری در دسامبر سال ۲۰۰۶ (آذر ۱۳۸۵)، فدراسیون اتحادیه های کارگری صنعت نفت عراق به طور رسمی مخالفت خود را با طرح پیشنهادی خصوصی سازی نفت بدینگونه اعلام کرد: "افکار عمومی مردم عراق به شدت با کنترل نفت توسط شرکتهای خارجی که هدفش استثمار نیروی کار و انباشت سود است، مخالفت می کند. طرح مزبور برابر با از بین رفتن حیثیت ملی و پایمال سازی استقلال کشور است." (۱)

ضدیت با نو - لیبرالیته کردن صنعت نفت به مثابه یکی از اهداف مهم حمله به کشور عراق، سبب شد تا اشغالگران برای شکستن پیوستگی و اتحاد ملی بیش از پیش بر تاکتیک دو قطبی سازی جامعه پای فشارند. سرکوب حقوق خلقها و تثبیت فرقه گرایی مذهبی، مماشات با رژیم ولایت فقیه و حمایت از مالکی از سوی آمریکا برای کنترل و پیشبرد هدف ایجاد "خاورمیانه بزرگ"، تا میزانی پیش رفت که کنترل اوضاع از دست آنها خارج و شکست مفتضحانه تاریخی را برایشان رقم زد.

در تاریخ پانزده فوریه ۲۰۰۳ (۲۶ بهمن ۱۳۸۱)، شهروندان کشورهای جهان به خیابانها سرازیر گشتند و با برگزاری راهپیمایی، علیه نقشه های جورج بوش، رییس جمهور وقت آمریکا مبنی بر حمله به کشور عراق دست به اعتراض زدند. راهپیماییهای بزرگی در شهرهای بزرگ و کوچک سراسر جهان برگزار گردید، به طوری که بسیاری از خبرنگاران مشهور، آن را بزرگترین و گسترده ترین گردهمایی همگانی در جهان تا آن تاریخ نامیدند. اما مدت زیادی نگذشت که امپریالیسم آمریکا بدون توجه به این اعتراضها، جهت تامین منافع سرمایه داری انحصاری، به عراق حمله کرد. اگرچه اعتراضهای جهانی جهت جلوگیری از حمله نظامی به عراق ناکام ماند، ولی مقاومتی ریشه دار در کشور عراق را رقم زد که هنوز ادامه دارد.

مقاومت ریشه دار

حضور داعش به دلیل همسایگی عراق با سوریه، برخی را بر آن داشته تا تحولات اخیر عراق را با قد و قامت گروه ارتجاعی مزبور اندازه گیرند. تجزیه و تحلیل برخی فعالان سیاسی پیرامون تحولات عراق بیش از هر چیز بر فعالیت داعش متمرکز گردیده است. این در حالیست که روند تاریخ و حرکت جوامع در گذشته برای "فرد انقلابی" که جهت ایجاد آینده ای بهتر برای نسل دیگر مبارزه می کند، سرشار از تجربه و نشانه می باشد و درک روندهای اکنون، مستلزم کنکاش در گذشته است. برای فرد انقلابی، "حال" به مثابه میدان عمل دارای اهمیت بسزایی است، ولی شناخت همه جانبه از آن بدون در نظر گرفتن گذشته عملی نخواهد بود. لذا، درک و شناخت واقعیتهای که در عراق می گذرد، جهت اتخاذ موضع گیری صحیح به دور از پیش داوریهای ذهنی، نیازمند کنکاش در گذشته است.

نیم نگاهی به پیکار مردم عراق نشان می دهد که مبارزه جهت دستیابی به آزادی و استقلال در عراق، پیش از تولد ننگین داعش آغاز گردید. در ۲۰ آوریل ۲۰۰۳ (۳۱ فروردین ۱۳۸۲)، تنها دو روز بعد از پایین آوردن مجسمه صدام حسین توسط سربازان آمریکایی، ده هزار نفر به خیابانهای بغداد آمدند و خواستار پایان اشغال کشور شدند. یک هفته بعد، هزاران عراقی متشکل از آموزگاران، سربازان سابق، کارگران اداره پست و کارورزان بخشهای دولتی با برگزاری راهپیمایی در بغداد، خواستار ایجاد کار و افزایش دستمزد شدند. در تاریخ ۲۸ آوریل همان سال، شیوخ قبایل و رهبران مذهبی کشور، در

اخبار پرستاران

امید برهانی

تجمع پرستاران در اعتراض به بازنشستگی اجباری دبیرکل خانه پرستار

شهروند، ۱ تیر - پرستاران بیمارستان امام خمینی و چند بیمارستان هم جوار صبح روز یکشنبه در اعتراض به صدور حکم برای دبیرکل "خانه پرستار" تجمع کردند. در این تجمع اعتراض آمیز حدود ۳۰۰ نفر از پرستاران شرکت کرده بودند که با ۳ نفر از آنها برخورد شد.

تجمع پرستاران در پی صدور رای هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداره کارمندان دانشگاه علوم پزشکی تهران صورت گرفت که محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار و سوپروایزر بیمارستان امام خمینی را به اتهام شرکت در تجمعهای اعتراضی پرستاران، محکوم به بازنشستگی پیش از موعد کرد.

اعتراض روز یکشنبه پرستاران درحالی صورت گرفت که کمتر از دو هفته از زمانی که خانه پرستار به ریاست جمهوری نامه سرگشاده ای فرستاده، می گذرد.

دبیرکل خانه پرستار در آن نامه از رئیس جمهوری خواسته بود که قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری پس از هفت سال اجرا شود تا خسارتهای جبران ناپذیر ناشی از اجرا نشدن آن از جمله ترک شغل، مهاجرتها، خانه نشینتها، تغییر شغلهای پرستاری متوقف شود.

محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار، درباره شرایطی که منجر به تجمع روز یکشنبه شد، گفت: "دوشنبه هفته گذشته رای صادر شد که در آن مرا به بازنشستگی پیش از موعد محکوم کرده بود. البته این رای بدوی است و در صورت اعتراض من، نزدیک به یک سال طول می کشد تا رای قطعی صادر شود. این در حالی است که در مجموع ۲۰ ماه به بازنشستگی من مانده و تا زمانی که روال قضایی طی شود، خود به خود بازنشسته می شوم، بنابراین به نظر نمی رسد که صدور این حکم ضرورتی داشت."

در چند سال گذشته حیاط بیمارستان امام خمینی به عنوان سردمدار پرستاری کشور، بارها شاهد تجمعهای اعتراض آمیز پرستاران نسبت به اجرا نشدن قوانین صنفی شان بوده. این تجمعهای اغلب با برخورد حراست بیمارستان همراه بوده است.

افزایش اختلاف ۳۰۰ برابری در پرداختهای نظام سلامت

خبرگزاری مهر، ۱۱ تیر - عضو شورای عالی نظام پرستاری با انتقاد از تبعیض در پرداختهای نظام سلامت گفت: "تا قبل اجرای طرح تحول نظام سلامت، شاهد اختلاف ۳۰۰ برابری در پرداختی به پزشکان و پرستاران بودیم که در حال حاضر این وضعیت بدتر شده است."

محمد شریفی مقدم اظهار داشت: برای اجرای سه بسته طرح تحول نظام سلامت که شامل حضور پزشکان در مناطق محروم، پزشکان مقیم و کیفیت ویزیت می شود، بیش از هزار میلیارد تومان اعتبار برای کمتر از ۱۰ هزار نفر پزشک در نظر گرفته شده است. در حالی که اگر حداقل ۱۰ درصد از این اعتبار به اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری که حداقل ۹۰ هزار پرستار را شامل می شود اختصاص می یافت، شاهد تحول عظیمی در حوزه سلامت بودیم."

دبیر کل خانه پرستار با انتقاد از تفکر پزشک سالارانه ای که همواره بر وزارت بهداشت حاکم بوده است، به دریافتی ۸۰ میلیونی برخی پزشکان بیمارستانهای دولتی اشاره کرد و گفت: "در هیچ کجای دنیا نمی توان شاهد بود که برخی پرسنل درمانی نظام سلامت ۸۰ میلیون دریافتی داشته باشد و یک نفر دیگر ۱۰۰ هزار تومان بگیرد."

عضو شورای عالی نظام پرستاری اظهار داشت: "برخورد حراستی و انتظامی با مطالبات پرستاری، مشکلی را حل نمی کند و بهتر است مسوولان امر به خواسته های معقول و منطقی پرستاران توجه کنند." وی خواستار توجه دولت، مجلس و دستگاههای نظارتی به خواسته های جامعه پرستاری شد و گفت: "ترک شغل و مهاجرت پرستاران، از جمله پیامدهای بی توجهی به خواسته ها و مشکلات جامعه پرستاری است."

سپید پوشانی که تنها مانده اند

ایسنا، ۱۷ تیر - همزمان با سراسر کشور، طرح تحول سلامت در ۲۴ بیمارستان تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد اجرا می شود. بدون شک از زمان اجرای آن بیمارستانها به دلیل کاهش هزینه های بستری و دارو، روزهای سخت و شلوغی را به خود دیده اند.

شاید بتوان گفت نقطه تمرکز طرح تحول نظام سلامت برای افزایش آرامش بیماران و نداشتن دردی جز رنج بیماری است، اما باید پذیرفت که اجرای این طرح با توجه به افزایش ۳۹ درصدی مراجعات بیمارستانی بار مضاعفی را به

بخش درمان کشور به ویژه پرستاران وارد کرده است، به طوری که هر پرستار ساعات زیادی از وقت خود را در بیمارستان سپری می کند و وظیفه رسیدگی به بیماران زیادی را برعهده دارد.

اینجا بیمارستان قائم مشهد است و در ساعت ملاقات، همه هم ملاقات کنندگان در جلوی درب ورودی بیش از هر چیز به چشم می خورد. نحوه پوشش برخی از آنان نشان دهنده قومیت، ملیت و در نهایت طی کردن مسیری طولانی و خریدن سختی سفر به جان برای مداوای بیمارشان است.

با ورود به بخشهای مختلف بیمارستان، پرستاران را می بینم که مشغول رسیدگی به امور بیماران یا نوشتن گزارش حال آنان هستند. پس از بالا و پایین رفتن از پله ها و جستجوی بخشهای مختلف وارد بخش اعصاب بیمارستان قائم می شوم، یکی از پرستاران این بخش با وجود مشغله کاری حاضر به مصاحبه می شود و با اشاره به کمبود پرستار عنوان می کند: "به دنبال افزایش شیفت و حجم کاری پرستاران، هنوز افزایش ۴۰ درصدی حقوق آنان اجرایی نشده، در صورتی که حقوق پزشکان نسبت به گذشته افزایش یافته است، همچنین افزایش حجم کاری پرستاران عامل کاهش کیفیت ارائه خدمات آنان است. زمانی که هر پرستار وظیفه رسیدگی به ۱۵ بیمار را برعهده داشته باشد حتما کیفیت کاری او کاهش می یابد."

این پرستار می گوید: "بخش اورژانس اعصاب دارای ۲۶ تخت است، اما معمولا ما ۷۰ بیمار را بستری می کنیم. همچنین بیمارانی از کشورهای همسایه نیز داریم که این امر بیانگر افزایش آرایه خدمات توسط پرستاران است."

حسینی، پرستار بخش داخلی بیمارستان قائم با اشاره به اینکه اجرای طرح تحول نظام سلامت به نفع مردم است، اظهار می کند: "هر پرستار در هفته حداقل ۵۰ ساعت در بیمارستان حضور دارد و فشار کاری زیادی را تحمل می کند و این در حالی است که افزایش حقوق پرستاران یک وعده دروغ بود."

وی می گوید: "با این حجم کاری، پرستاران خیلی خسته می شوند و دیگر به جایی می رسی که یا باید پرستار باشی یا زندگی کنی."

بخش امداد شاید پرازدحام ترین بخش این بیمارستان باشد. در هر دو طرف سالن، تختهای بیماران با فاصله نزدیک به هم قرار گرفته و ازدحام بیماران باعث بی نظمی سالن شده است. تحمل هوای سنگین این بخش، آن هم بدون داشتن تهویه مناسب واقعا سخت است.

کمی جلوتر می روم و به ایستگاه پرستاران می رسم، تعدادی از آنان مشغول رسیدگی به بیمار، برخی در حال نوشتن گزارش و مابقی سرگرم پاسخگویی به همراهان بیماران هستند. چند نفر از پرستاران به دلیل مشغله کاری، درخواست گفت و گو را رد می کنند با این حال دو نفر از آنان رضایت می دهند

یکی از پرستاران بخش اورژانس داخلی می گوید: "بعد از اجرای طرح تحول نظام سلامت بسیاری از کارهای بیماران مانند نمونه گیری در داخل بخش انجام می شود. از پرستاران درخواست شده است که ظرف مدت شش ساعت بیمار را تعیین تکلیف کنند، اما آن قدر حجم کاری و تعداد بیماران زیاد است که شاید این اقدام ظرف مدت ۱۲ ساعت انجام شود."

او اضافه می کند: "اورژانس داخلی ۲۲ تخت دارد اما ۴۵ تا ۶۰ بیمار در آن بستری می شوند. بعد از اجرای طرح تحول نظام سلامت مردم برای دریافت کوچک ترین خدمات پزشکی به بیمارستان مراجعه می کنند."

پرستار دیگری می گوید: "به دلیل تعداد زیاد بیماران، گاهی اوقات از تختهای بدون حفاظ استفاده می شود که این مساله شکایت همراهان بیمار را به دنبال دارد."

از آنان در مورد تاثیر حجم کاری بر زندگی شخصی شان می پرسم که پاسخ می دهند به دلیل خستگی همگی عصبی شده اند.

تمام این مسایل باعث انتشار بیابیه ای از سوی هیات مدیره نظام پرستاری مشهد به نمایندگی از جامعه پرستاران این شهر شد که در بخشهایی از آن آمده است: "هر چند نظام تحول سلامت به عنوان اقدامی مهم از سوی وزارت بهداشت نگاهی عدالت محور به نظام سلامت دارد، اما جریانات اخیر در عرصه نظام سلامت کشور نشان دهنده بازگشت تفکرات خصوصی سازی در دولت و تزریق این تفکر به بهداشت و درمان کشور است که سوابق تاریخی نشان دهنده تجربه ناخوشایند مردم و متخصصان سلامتی از این روند است از دیدگاه متخصصان نظام سلامت، روند خصوصی سازی منجر به بی انگیزگی بیش از ۸۰ درصد شاغلان و متخصصان نظام سلامت می شود.

تجربه تلخ واگذاری تامین نیرو از طریق شرکتها که جزو سیاه ترین صفحات تاریخ نظام سلامت است، هنوز در خاطر بسیاری از پرستاران مانده است. وابستگی بسیاری از این شرکتها به افراد

بقیه در صفحه ۱۱

۲۰ هزار میلیارد تومانی که جعفری و قالیباف صلواتی ردویدل کردند

منصور امان

ویرترین فساد حکومتی جمهوری اسلامی به نشان یک رؤسای اقتصادی دیگر مَزین شده است. براساس یک سند درز داده شده از سوی محافل رقیب در رژیم مُلاها، سپاه پاسداران با همدستی پاسدار محمدباقر قالیباف، شهردار تهران، بودجه عمرانی چهارساله شهرداری به مبلغ ۱۰ هزار میلیارد تومان و بخشی از داراییهای غیرنقدی آن به ارزش ۱۰ هزار میلیارد تومان دیگر را به نام خود سند زده است. در "تفاهُمنامه" امضا شده توسط سرکرده سپاه پاسداران، آقای محمدعلی جعفری و آقای قالیباف، به جای ثبت موضوع قرارداد و علت پرداخت این مبلغ کلان به سپاه پاسداران، چند جمله کلی و از آن جمله "اصلاح و بهبود شرایط زندگی شهروندان عزیز تهرانی" عنوان شده است. به این ترتیب، سند تنظیم شده برای رد و بدل ۲۰ هزار میلیارد تومان، نه روشن می کند سفارشها یا ماموریتهای شهرداری برای طرف قرارداد چیست و نه توضیح می دهد که سپاه پاسداران مبلغ مزبور را بابت ارایه کدام خدمات مُطالبه و دریافت می کند.

بی گمان وجود این نقص شکفت آور در معامله ای با ابعاد میلیاردی تصادفی نیست، بلکه بیانگر "همت مُضاعف" زبردستان آقای خامنه ای برای ساده کردن چپاول شهرداری تهران و پرهیز از تراشیدن جُزییاتی است که بعدها می تواند قابل تعقیب و دردسرافزین شود. از طرف دیگر، تنظیم قرارداد سفید امضای مزبور به خوبی میزان گستاخی چکمه پوشهای ولی فقیه در غارت ثروت و داراییهای همگانی به گونه ای که خود را حتی از رعایت تشریفات ظاهری و پروتکلی بی نیاز می دانند را مکتوب کرده است.

با این همه، پاسداران جعفری و قالیباف مدال ابتکار رد و بدل صلواتی و بی مدرک بودجه شهرداری را نمی توانند به گردن خویش بپاویزند؛ آنها از تجربه آقای احمدی نژاد، گماشته پیشین آقای خامنه ای در شهرداری درس گرفته اند که موفق شد صدها میلیون تومان از صندوق شهرداری را زیر تبتیر "هزینه های فاقد سند"، به گونه بی بازگشت و بدون مُواجه شدن با پیگرد ناپدید سازد.

بیش از یک دهه پس از افشای راهزنی مالی باند نظامی - امنیتی در شهرداری تهران، روند تکامل فساد زیر "خیمه نظام" رو به جلو به حرکت خود ادامه می دهد. این واقعیت را فقط تبدیل مجوز غارت از "هزینه فاقد سند" به "سند هزینه بدون موضوع" نشان نمی دهد، بلکه در چشم نجومی رقمی که به تاراج می رود، از ۳۲۰ میلیون تومان (رقم رسمی) آقای احمدی نژاد و دوستان تا ۲۰ هزار میلیارد جانشینان آنها نیز به خوبی مشاهده پذیر است.

فراسوی خبر... آدینه ۲۰ تیر

حمایت ولی فقیه از دیکتاتور عراق

زینت میرهاشمی

در حالی که کنار رفتن نوری المالکی به عنوان یکی از اساسی ترین خواسته نخبگان سیاسی، اجتماعی و اغلب سیاستمداران در عراق است، خامنه ای بار دیگر از دولت نوری المالکی حمایت کرد.

موضع گیری خامنه ای در رابطه با درگیریهای خونین در عراق نه تنها کمکی به کاهش بحران نمی کند، بلکه به تنش و بحران در منطقه دامن می زند. نتایج عملکردهای فاجعه بار رژیم در کشورهای همسایه به ضرر مردم ایران و منطقه تمام شده و خواهد شد. داعش و نیروهای ارتجاعی دستاورد شرایط دیکتاتوری مالکی و حامیان آن یعنی امپریالیسم آمریکا و رژیم بنیادگرای ولایت فقیه است. در حالی که تاریخ مصرف مالکی تمام شده است اما رژیم هنوز از او حمایت می کند. به نظر می آید ولی فقیه این شرایط را پیش بینی نکرده بود و از سیر حوادث عقب افتاده است.

خامنه ای روز شنبه ۷ تیر هدف «دشمن» را راه انداختن «جنگهای داخلی میان ملتها» با عناوین «قومی و مذهبی» بر شمرد. وی جنگ کنونی را جنگ شیعه و سنی ندانسته بلکه «جنگ انسانیت با بربریت و وحشیگری» اعلام کرد. وی «مردم سالاری اسلامی را نسخه ای بی بدیل» اعلام کرد.

۱۴ سال است که نوری المالکی با حمایت بی دریغ آمریکا و جمهوری اسلامی سننها و اقلیتهای قومی و مذهبی، نیروهای مترقی و چپ را سرکوب کرده است. هنوز اخبار تظاهرات مسالمت آمیز مخالفان حکومت نورالمالکی در روزهای جمعه همزمان با بهار عرب که توسط مزدوران سرکوبگر نوری المالکی به خون کشیده شد از یادها نرفته است. اوضاع آنقدر وخیم است که حامیان مالکی به جز خامنه ای، مدافع تشکیل حکومت فراگیر شده اند. اگر اراده مردم عراق در برپایی حکومتی دموکراتیک و پلورالیسم در عراق پیش رود بدون شک سرمایه گذارهای ولی فقیه در این مدت به هدر خواهد رفت.

فراسوی خبر یکشنبه ۸ تیر

اخبار پرستاران

بقیه از صفحه ۱۰

غیرمتخصص و نبود استاندارد باعث شد تا پرستاران با دو برابر ساعت کار موظف، نصف حقوق و مزایای پرداخت شده توسط دولت به شرکت را دریافت کنند و بهره کشی به تمام معنا اتفاق بیفتد.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: "عدم توجه دولت به اجرای قانون تعرفه گذاری بعد از گذشت هفت سال از تصویب آن در مجلس در کنار سکوت معنادار نهادهای نظارتی و در راس آن مجلس شورای اسلامی که باید از حیثیت و شان قانونگذاری خود دفاع کند، باعث عدم اعتماد جامعه پرستاری استان به گفتار و رفتار مسوولان در توجیه طرحهایی از جمله خصوصی سازی شده است و اکنون به قولهای آنها برای تامین حقوق مردم و متخصصان نظام سلامت به دیده تردید می ننگند."

هیات مدیره نظام پرستاری مشهد در این بیانیه از وزیر بهداشت و دولت خواسته است با توجه به این نگرانیها قبل از هرگونه اقدام، حتما به تجارت گذشته در زمینه خصوصی سازی در بهداشت و درمان توجه کنند و از نگاه های صرف اقتصادی و صنف محور به عرصه بهداشت و درمان پرهیز کنند."

و امروز جامعه پرستاری کشور منتظر عملی شدن وعده های مسوولان در خصوص امتیازات و خدمات یعنی افزایش ۴۰ درصدی حقوق و جذب نیرو در این حوزه است.

طرح تحول نظام سلامت پرستاران را خسته تر کرده است

ایسنا، ۲۳ تیر - رییس هیات مدیره نظام پرستاری استان کرمانشاه با اشاره به وجود هفت دهم پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی در استان افزود: "نسبت به استانداردها که وجود ۱.۳ پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی الزامی است، کمبود نیرو داریم."

ویسی رایگانی همچنین تعداد پرستاران کشور را نصف استاندارد مورد نیاز دانست و ادامه داد: "افزایش تعداد تختهای بیمارستانی بدون تامین نیروی انسانی و تغییر چارت سازمانی این کمبود را رقم زده است."

وی به اجرای طرح تحول نظام سلامت نیز اشاره و بیان داشت: "این طرح با توجه به کاهش هزینه های دریافتی، افزایش مراجعات بیماران به بیمارستانهای دولتی را رقم زده که

این امر موجب دو برابر شدن حجم کاری پرستاران شده است. این در حالیست که تعداد پرستاران تغییری نداشته و وعده هایی که در خصوص افزایش تعداد پرستاران و تغییرات معیشتی آنها با اجرای طرح داده شده بود، هنوز عملی نشده است."

وی افزایش فشار کاری حاصل از اجرای طرح نظام سلامت را موجب بی انگیزه شدن و خستگی بیشتر پرستاران و در نتیجه کاهش کارایی آنها دانست

ویسی رایگانی عنوان کرد: "در حال حاضر وعده هایی از جمله بکارگیری دانشجویان پرستاری سال آخر در بیمارستانها و کم شدن شیفت کاری پرستاران داده شده و کارهای اجرایی آن نیز تا ۹۰ درصد به پیش رفته و به شدت پیگیر آن هستیم."

کشورهای اروپایی مشتری پرستاران ایرانی

خانه ملت، ۲۳ تیر - عابد فتاحی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با انتقاد از اجرا نشدن دفترچه تعرفه خدمات پرستاران از سوی سازمان نظام پزشکی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یادآور شد: "در این دفترچه اگر پرستاری در ساعاتی از شب به ارایه خدمات به بیمار مانند گرفتن فشار یا زدن آمپول بپردازد، هرکدام از این موارد تعرفه گذاری شده و به دریافت دستمزد آنها کمک می کند."

وی تصریح کرد: "متأسفانه دفترچه تعرفه خدمات پرستاران اجرایی نشده و همین امر مشکلاتی را برای پرستاران ایجاد کرده است. البته ناگفته نماند که اجرایی شدن این مهم نیز کاری سخت و صعب به شمار می رود و از ابتدا نیز بیم آن می رفت که شکل اجرایی به خود نگیرد."

نماینده ارومیه در مجلس نهم با یادآوری تحمیل اضافه کاری به پرستاران یادآور شد: "علاوه بر همه این مشکلات، تحمیل اضافه کاری به پرستاران نیز مزید بر علت شده به گونه ای که کار ۱۵۰ ساعته پرستاران در ماه به ۲۰۰ تا ۳۰۰ ساعت رسیده است."

وی درباره مهاجرت پرستاران به خارج از کشور افزود: "اخیرا کشورهای اروپایی مشتری پرستاران ایرانی هستند، به گونه ای که برخی از این کشورها با ارایه تسهیلات و امتیازهایی به آنها در تلاش برای جذب پرستاران ایرانی هستند که این شرایط باعث شده حجم مهاجرت پرستاران به خارج از کشور افزایش یابد."

چالشهای معلمان در تیر ماه

فرنگیس باقره

اطلاعات تصریح کرد: "آقای فانی چندین بار از جمله در هفته معلم وعده داده بود که این دیدار به قصد رفع سووتفاهات و مشکلات مربوط به مجوز تشکلهای صنفی معلمان برگزار شود، اما این وعده تا کنون عملی نشده که همکاران در این زمینه نیز نظرات شان را به عنوان گله طرح کردند."

وی حذف خدمات از بیمه طلابی، بازگشت پنجشنبه ها به روز کاری مدارس و اجرای ناقص طرح فرهنگ توسط صندوق ذخیره فرهنگیان را از دیگر انتقادات حاضران در جلسه به فانی اعلام کرد.

این فعال صنفی معلمان در ادامه تاکید کرد: "وزیر آموزش و پرورش در این جلسه به بیشتر موارد طرح شده از سوی فعالان صنفی معلمان پاسخی نداد و صحبت‌هایی را که از قبل آماده کرده بود، بیان کرد که با اعتراض روبرو شد."

بهبشتی لنگرودی در پایان با اشاره به عبور گزری وزیر آموزش و پرورش از موارد دیگر که دوباره مورد اعتراض فعالان صنفی معلمان قرار گرفت، اظهار کرد: "این جلسه در نهایت با کدورت طرفین پایان یافت و وزیر با حالتی شبیه به قهر جلسه را ترک کرد."

شهریه های میلیونی پیش دبستانیها و انصراف خانواده ها برای ثبت نام

تسنیم، ۲۱ تیر - شهریه های میلیونی مراکز پیش دبستانی که کف آن از یک میلیون آغاز شده و به ۸ میلیون در مناطقی از شهر می رسد، موجب شده تا بسیاری از خانواده ها که برای حضور فرزندشان در دوره پیش دبستانی مشتاقند، عطای این موضوع را به لقایب ببخشند.

بر اساس مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، مراکز پیش دبستانی به جز در مناطق محروم و عشایری، به شکل غیر انتفاعی اداره خواهد شد و شهریه آنها نیز بر اساس دستورالعملهای مدارس غیر انتفاعی تعیین می شود. در این میان بسیاری از خانواده ها با مشاهده شهریه های عجیبی که از سوی این مراکز دریافت می شود، ترجیح می دهند که فرزندشان بدون گذراندن دوره پیش دبستانی وارد مقطع ابتدایی شوند.

با واگذاری پیش دبستانیها به بخش غیردولتی که از حدود سال ۸۶ آغاز شد، شاهد شکل گیری مراکز پیش دبستانی غیر دولتی بودیم که بخشی از این مراکز وابسته به نهادهای مختلف از جمله بهزیستی و سایر ارگانها است.

به عنوان مثال یکی از مراکز پیش دبسته در صفحه ۱۳

اسماعیل عبدی، دبیر کل کانون صنفی معلمان در این مورد می گوید: "پرونده نبی الله باستان فارسانی که یکی از فرهیخته ترین معلمان عضو شورای هماهنگی کانونهای صنفی کشور است، از جانب هیات عالی نظارت برای بررسی مجدد به شعبه دوم فرستاده شده بود. با نظر مخالف شعبه دو تجدید نظر تخلفات اداری وزارتخانه آموزش و پرورش نسبت به رفع تبعید، متأسفانه خانواده باستان باید سه سال دیگر در تبعید بمانند."

وی افزود: "همسر آقای باستان مدتهاست که از درد مزمن کلیه رنج می برد و این خانواده در غربت باید با مشکلات زیادی مواجه شوند. امیدواریم مسوولان با درک شرایط نسبت به رفع تبعید فعالان صنفی فرهنگی که جزمی جز پیگیری وضعیت صنفی معلمان کشور ندارند، اقدام نمایند."

علی صادقی از همدان و محمد توکلی از کرمانشاه، از دیگر معلمان تبعیدی به شمار می روند.

وزیر با حالت قهر جلسه با تشکلهای صنفی معلمان را ترک کرد

ایلنا، ۹ تیر - سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران جزییات دیدار تعدادی از تشکلهای صنفی معلمان با وزیر آموزش و پرورش را تشریح کرد.

محمود بهشتی لنگرودی با اشاره به جلسه تعدادی از تشکلهای صنفی معلمان با علی اصغر فانی، وزیر آموزش و پرورش که صبح شنبه ۷ تیر در این وزارتخانه برگزار شد، گفت: "عمده صحبت‌هایی که در این جلسه مطرح شد، گله گذاری همکاران از وعده های عملی نشده آقای فانی بود."

وی ادامه داد: "همکاران در این جلسه با اشاره به قول مساعد آقای فانی برای حل مشکل معلمان زندانی از وی به دلیل آنکه تا کنون اقدام مثبتی در این زمینه انجام نداده است انتقاد کردند."

این فعال صنفی با اشاره به خلف وعده وزیر آموزش و پرورش برای حل مشکل معلمانی که احکام تخلفات اداری برایشان صادر شده، افزود: "هیات تخلفات اداری زیر نظر وزیر آموزش و پرورش عمل می کند، اما تاکنون نه تنها مشکلی از این معلمان حل نشده، بلکه تعدادی از احکام اجرا نشده که در دوران احمدی نژاد صادر شده بودند، اجرا شدند که این موضوع نیز در جلسه با آقای فانی طرح شد."

بهبشتی لنگرودی با اشاره به وعده چندین باره وزیر آموزش و پرورش برای دیدار تشکلهای صنفی معلمان با وزیر

هم خیرین باید آستینها را بالا بزنند و مدرسه بسازند؟

بودجه حذف مدارس کپری کجا رفته؟



برابر مجلس
ایلنا، ۳ تیر - تعدادی از مربیان حق التدریسی مراکز آموزش فنی و حرفه ای در پی اجرایی نشدن مصوبه سال ۹۱ مجلس مبنی بر تبدیل وضعیت شان امروز صبح مقابل مجلس تجمع کردند.

تجمع کنندگان خواستار پیگیری اجرای مصوبه سال ۹۱ مجلس مبنی بر تبدیل وضعیت مربیان حق التدریسی مراکز آموزش فنی و حرفه ای از سوی نمایندگان مجلس هستند.

مخالفت وزارت آموزش و پرورش با رفع تبعید نبی الله باستان فارسانی



حقوق معلم، ۸ تیر - پرونده نبی الله باستان فارسانی که از جانب هیات عالی نظارت برای بررسی مجدد به شعبه دوم تجدید نظر وزارت آموزش و پرورش ارسال شده بود، با مخالفت این شعبه روبه رو شد و این معلم باید سه سال دیگر را در تبعید بگذراند.

حقوق معلم، ۱ تیر - در حالیکه سازمان نوسازی مدارس ادعا کرده طی سالهای ۸۶ تا ۸۹ با صرف اعتبارات هنگفت و با تخصیص یک ردیف اعتباری خاص از دفتر مقام رهبری، مدارس کپری تقریباً جمع آوری شده، اما هنوز هم مدارس کپری در محروم ترین استانهای ایران، در کرمان، هرمزگان و بلوچستان وجود دارند؛ آن هم در مناطق بد اقلیم و بد آب و هوایی که روزهایی در هر سال تحصیلی، توفانهای موسمی یا بارانهای سیل به راحتی درس و کتاب و مشق را تعطیل می کنند؛ روزهایی که مدرسه ای بر جای نمی ماند، کتابها را آب می شوید و کلاسها را باد می برد.

اول خرداد ۱۳۹۳، رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اعتراف کرد که "در کشور هنوز هم مدرسه کپری و کانکسی داریم، باید همگی کمک کنیم تا شاهد این نوع فضاهای آموزشی نباشیم." محمد جواد ظاهری در شانزدهمین جشنواره خیرین استان کرمان تاکید کرد: "دولت جهت تکمیل پروژه ها اقدام کرده است. اما به دلیل کمبود بودجه، بسیاری از این طرحها نیمه تمام رها شده. از این رو، ما نیازمند کمک خیرین هستیم."

کاش حداقل ایشان در مقام مسوول کمیسیون آموزش، گزارشی از مصرف آن ردیف بودجه خاص دفتر ولی فقیه و آن اعتبارات هنگفت دولتی منتشر می کردند تا بهتر متوجه می شدیم که با وجود این همه منابع مالی، با وجود اینهایی که در قانون و مصوبات اختصاص یافته و آنهایی که هرز رفته و به هدر شده و نصیب اختلاس گران و به اصطلاح بدهکاران بانکی شده، چرا باز

"جالوت"، زندگی و نفرت در اسرائیل کبیر

گزارشی از سوسیالیسم ۲۰۱۴

آماندا سحر دورسو

"ماکس بلومتال"، نویسنده کتاب "جالوت" * (Goliath)، سخنران یکی از جلسات کنفرانس سوسیالیسم ۲۰۱۴ بود. وی پیرامون چرخش سیاسی اسرائیل از زمان فروپاشی پروسه صلح اسلو در سال ۲۰۰۱ صحبت کرد. ماکس بلومتال بر این باور است که دولت اسرائیل از آن هنگام به سرعت به سمت راست کشیده شده و بدین صورت امکان صلح با فلسطینیها را غیرممکن تر کرده است.

کتاب او قوی و روشنگرانه، آمیزه ای است از رویدادهای جاری، داده های تاریخی و نظرات شخصی، حدیثی و داستانی که به روشنی ماهیت سیاسی دولت اسرائیل را به تصویر می کشد. ماکس بلومتال که فرزند یکی از معاونان کلیتون است، نتیجه چهار سال کار و یکسال زندگی در اسرائیل و فلسطین را در کتاب خود ثبت کرده است. کتاب او با عکسهایی همراه است که زندگی سخت اما مقاوم فلسطینیها در برابر ستمکاری بی رحمانه اسرائیل را شرح می دهد.

بلومتال به بخشهایی از کتاب خود پیرامون سیاست نژادپرستانه دولت این کشور استناد کرد و از جمله گفت: "در اسرائیل عربها نمی توانند با یهودیها ازدواج کنند. دولت یک مرکز اطلاعات مخفی دارد که بر این افراد فشار می آورد. همانطور که در آمریکا این باور را رواج می دهند که این سیاهپوستان هستند که به زنان تجاوز می کنند، در اسرائیل نیز می گویند مردان عرب متجاوزند و زنهای یهودی نباید دکتر عرب داشته باشند."

وی افزود: "آنها همان کار نازیها را با آفریقاییها کرده اند. بخشی را روانه اردوگاههای کار اجباری کرده اند و عده ای را نیز به زندگی در محلهای بسیار فقیر نشین واداشته اند. با این همه، بنیادگرایان یهودی دست به اعتراض زده و گفتند نباید هیچگونه اقدام رفاهی برای این دسته از مهاجران صورت گیرد! حاکمان اسرائیل تلاش می کنند که مهاجران آفریقایی را به ستوه آورند تا خودشان اسرائیل را ترک کنند. دولت اسرائیل گفته است مهاجران و فلسطینیها اگر از اسرائیل به هر دلیل خارج شوند، نمی توانند بازگردند، حتی



اگر خانواده شان همچنان در اسرائیل باشد. آنها فلسطینیها را در کمپهایی مانند دوران نازیها نگاه می دارند و می گویند باید پیش از غروب آفتاب در کمپ باشند. اسرائیل سعی می کند که به طور کامل یهودی نشین باشد. وی در مورد ادبیات و هنر در این کشور می گوید: "رژیم اسرائیل ادبیات و شعر و کتابهایی در دسترس سربازان قرار می دهند که بخوانند و به خاطر کشته هایشان در جنگ گریه کنند، اما همین و به قربانی فکر نکنند. در این کتابها اسرائیلیها تشویق می شوند که به فلسطینیها نزدیک نشوند و با آنها رابطه دوستی برقرار نکنند."

* "جالوت" (Goliath)، جنگاور غول پیکر اساطیری که بنی اسرائیل به جنگ او و لشکرانش رفت و توسط داوود پیامبر، پادشاه بعدی قوم یهود، با سنگ فلاخن کشته شد.

چالشهای معلمان در تیر ماه

بقیه از صفحه ۱۲

دبستانی غیر دولتی در منطقه یک تهران که اسم و رسمی نیز کسب کرده، از متقاضیان شهریه ای معادل ۸ میلیون تومان دریافت می کند، البته استدلال شان نیز برای دریافت این شهریه، ارایه برنامه های متنوع است. به میانه شهر یعنی منطقه چهار که می رسمیم، شهریه ها به ۴ میلیون تومان می رسد و برای مراکز پیش دبستانی که ضمیمه مدارس دولتی فعالیت می کنند، شهریه ای معادل یک میلیون تومان دریافت می شود.

مرضیه گرد، رییس سازمان مدارس غیردولتی آموزش و پرورش در مورد شهریه مدارس پیش دبستانی عنوان کرد: "شهریه پیش دبستانی بخشی از شهریه ابتدایی است که نباید از سقف ۸۰ درصد بیشتر باشد. به دلیل اینکه

تعداد کلاسها و ساعات پیش دبستانی کمتر است، بنابر این شورای نظارت هر استان می بایست شهریه را متناظر با بخش آموزش ابتدایی آن استان اعلام کند."

"دانش آموزان به لحاظ عقلی در مورد حجاب اقلان نمی شوند"

تسنیم، ۲۰ تیر - معاون پژوهشی وزارت آموزش و پرورش در مورد اشاره سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به تعمیق فرهنگ حیا، عفاف و حجاب در مدارس عنوان کرد: "یکی از روشهای دستیابی به این هدف بازنگری در برنامه های آموزشی و روش دیگر، اتخاذ تدابیر مناسب جهت جذب نیروی انسانی شایسته و متعهد است که خود به حجاب و عفاف پایبند هستند."

حجت الاسلام محی الدین بهرام محمدیان ادامه داد: "سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر برنامه ریزی به منظور اقلان فکری برای پذیرش قلبی و درونی حیا، حجاب و عفاف تاکید دارد؛ می پذیریم که در هیچ یک از مواردی که سند ذکر کرده است به حد مطلوب نرسیده ایم. در حقیقت باید تلاش کنیم تا کانالهای ورود آسیبها به مدارس را شناسایی کنیم و میان پیامهای تربیتی مدرسه و خانواده تعارض وجود نداشته باشد چرا که این تعارضها منجر به ایجاد شخصیت دوگانه در دانش آموز می شود. هم اکنون در مقوله حجاب و عفاف، دانش آموزان به لحاظ عقلی اقلان نمی شوند و به لحاظ تبلیغی و ترویجی نیز پشتیبانی نمی شوند."

معاون پژوهشی وزارت آموزش و پرورش به ضرورت طراحی لباس فرم برای دانش آموزان اشاره کرد و گفت: "همانطور که در بیمارستانها پزشک را با لباس فرم سفید و پرستار را با لباس فرم سورمه ای می شناسند، در جامعه نیز باید بتوان دانش آموزان را از طریق لباس فرم آنها شناسایی کرد."

وی افزود: "طراحی لباس فرم دانش آموزی مزایا و معایبی نیز دارد یکی از معایب آن این است که ممکن است برخی از افراد بگویند مگر مدرسه پادگان است که همه به یک فرم لباس بپوشند. بنده ضرورت لباس فرم در آموزش و پرورش را قبول دارم، اما نه لباس فرم واحد."

محمد امین آگوشی به**سلول انفرادی منتقل شد**

هران، ۲۳ تیر - محمد امین آگوشی دست به اعتصاب غذا زده و به سلول انفرادی زندان مرکزی زاهدان منتقل شده است.

محمد امین آگوشی، معلم بازنشسته ۵۴ ساله و اهل پیرانشهر از روز سه شنبه ۱۷ تیر در زندان مرکزی زاهدان دست به اعتصاب غذا زده و در پی آن روز شنبه ۲۱ تیر به سلول انفرادی بند قرنطینه، شکنجه گاه زندان مرکزی زاهدان منتقل شده است.

وی که به تازگی همسر خود را از دست داده، در اعتراض به بی سرپرست ماندن دو فرزند صغیر خود و همچنین وجود تبعیض بین زندانیان عادی و سیاسی و اینکه زندانیان سیاسی از حق استفاده از مرخصی و رای باز (مرخصی در قبال کار در زندان) محروم می باشند، دست به اعتصاب غذا زده است.

یک منبع مطلع به گزارشگر هران گفت: "محمد امین آگوشی در یک سلول دو در یک و نیم متری نگهداری می شود و به علت داشتن بیماری آسم و گرمای شدید هوا شرایط جسمی نگران کننده ای دارد."

بند قرنطینه دارای سلولهای بسیار کوچک و فاقد حداقل امکانات انسانی است. این سلولها در گرمای شدید تابستان فاقد وسایل خنک کننده هستند.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در تیر ۱۳۹۳

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

سال ۹۱ و افزایش مستمری شان بر اساس مزد همان سال هستند.

*رانندگان اتوبوس درون شهری بیرجند در روز دوشنبه ۹ تیر دراستاننداری خراسان تجمع کردند. به گزارش خاورستان، هر اتوبوس روزانه مبلغ ۴۷ هزار تومان درآمد دارد که از این مبلغ تنها ۴۰ هزار تومان هزینه دستمزد راننده است که ۳۰ هزار تومان آن پول سوخت است.

*یکی از کارگران پتروشیمی تبریز با اشاره به اعتصاب ۱۶ روزه کارگران قرارداد مستقیم بخش تعمیرات و نگهداری این واحد تولیدی از خلف وعده مدیرعامل انتقاد کرد. به گزارش

تجمع خود را عدم اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری که ۷ سال پیش توسط مجلس شورای اسلامی تثبیت شد، اعلام کردند. همچنین اضافه کاری اجباری و عدم تحقق قانون ارتقاء بهره وری و نیز تفاوت کارانه پزشکان با پرستاران از دیگر دلایل تجمع این پرستاران مقابل مجلس عنوان شد.

*روز شنبه ۳۱ خرداد کارگران کارخانه یک و یک در اعتراض به عدم تمدید قرارداد ۲۷ کارگر این کارخانه دست از کار کشیده و اعتراضات خود را آغاز کردند. به گزارش بام فارس، تعطیلی کارخانه یک و یک، تجمع اعتراض آمیز کارگران در سالن سورتینگ و جلوی

معدن سنگ آهن مرکزی بافق در اعتراض به واگذاری ۲۸/۵ درصد از سهام این معدن به بخش خصوصی است.

اعتراض کارگران معدن سنگ آهن مرکزی بافق از تاریخ ۲۷ اردیبهشت آغاز شد.

به گزارش ایلنا، استاندار یزد روز چهارشنبه ۴ تیر در جمع کارگران متحصن حاضر و مصوبه هیات دولت مبنی بر لغو واگذاری ۲۸/۵ درصد از سهام معدن سنگ آهن مرکزی بافق به بخش خصوصی را در اختیار آنان قرار داد و بدین ترتیب اعتراض بیش از ۵ هزار کارگر معدن سنگ آهن مرکزی بافق با تحقق مهم‌ترین مطالبه صنفی آنان پایان یافت.

۴۸ حرکت اعتراضی

*جمعی از بازنشستگان ذغال سنگ و فولاد اصفهان و کرمان در روز یکشنبه ۱ تیر با تجمع در مقابل مجلس رژیم خواستار رفع مشکل پرداخت حقوق بازنشستگی خود شدند. به گزارش ایرنا، این بازنشستگان با استناد به بند ۵۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۳ خواستار دریافت به موقع حقوق خود شدند. حدود سه سال است که حقوق بازنشستگان ذغال سنگ و فولاد شهرهای اصفهان، کرمان و همچنین بازنشستگان معادن اهواز، شاهرود و طبس به صورت مرتب پرداخت نمی‌شود.

*جمعی از بازنشستگان فولاد خوزستان در روز یکشنبه ۱ تیر به منظور تحقق مطالبات خود در مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری مجلس، در پلاکاردی که در دست تجمع کنندگان بود نوشته شده بود: تا اجرای کامل قانون بودجه سال ۱۳۹۲، تمام معوقات بازنشستگان فولاد خوزستان را پرداخت کنید.

*کارگران کارخانه شیشه آبگینه به خاطر مطالبات معوقه سه ماهه در روز یکشنبه ۱ تیر در محل کارخانه تجمع اعتراضی کردند. به گزارش ایلنا؛ مطالبات کارگران این واحد به نیمی از حقوق اسفند ماه سال ۹۲، و حقوق اردیبهشت و خرداد سال ۹۳ مربوط می‌شود. علاوه بر این کارفرمای این واحد تولیدی یک ماه عیدی سال گذشته کارگران را پرداخت نکرده است.

*کارگران کارخانه قند اهواز در روز دوشنبه ۲ تیر برای سومین روز متوالی در مقابل ساختمان مرکزی بانک ملت در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، حدود ۵۰ کارگر کارخانه قند اهواز در اعتراض به عدم دریافت ۴۵ ماه حقوق و مزایا خود، در تهران و در این حرکت اعتراضی حضور دارند.

بانک‌های ملی و ملت به عنوان مالکان اصلی کارخانه، پیگیر امور کارخانه نیستند و همین مساله باعث شده تا از چند سال پیش در پرداخت مطالبات کارگران این کارخانه مشکلاتی به وجود آید.

در سه روزی که این کارگران در تهران تجمع کردند، شب را در محوطه پارکها سپری می‌کردند.

*تحصن کارگران معدن سنگ آهن بافق در روز سه شنبه ۳ تیر وارد سی و هشتمین روز متوالی شد. به گزارش ایلنا، تحصن بیش از ۵ هزار کارگر



Iranian Labour News Agency

ایلنا، اعتصاب حدود ۶۷۰ کارگر قرارداد مستقیم واحد تعمیرات و نگهداری پتروشیمی تبریز که از روز یکشنبه ۲۵ خرداد آغاز شده بود در پی امضای توافق نامه ای با مدیرعامل در روز سه شنبه ۱۰ تیر پایان یافت اما ظاهراً توافقات انجام شده تنها در حد وعده باقیمانده است.

اعتصاب کارگران در پی بازدید مدیرعامل از کارخانه و صحت‌های تحریک آمیز وی مبنی بر وجود ۷۰۰ نیروی اضافی در این واحد تولیدی آغاز شد. خواست اصلی کارگران اعتصابی افزایش دستمزد به میزان حداقل ۵۰۰ هزار تومان در حقوق پایه شان است.

*به گزارش ایلنا، به دنبال اعتراض صنفی جمعی از کارگران پیمانی شاغل در منطقه پارس جنوبی مسئولان این بقیه در صفحه ۱۵

درب کارخانه، راهپیمایی دسته جمعی در سطح شهر قادرآباد همراه با شعارهای مختلف، تشکیل جلسه ای با موضوع یک و یک در استانداری فارس، تجمع کارگران در شهرداری قادرآباد و باز گو نمودن خواسته های خود با نماینده مجلس و امام جمعه صفاشهر و بازداشت تعدادی از کارگران از اقداماتی بود که طی ۹ روز در کارخانه یک و یک صورت گرفت و سرانجام روز یکشنبه ۸ تیر اعتراضات کارگری در این واحد تولیدی پایان یافت.

*حدود ۱۰۰ کارگر شرکت واحد که سال ۹۱ بازنشسته شده اند، روز سه شنبه ۱۰ تیر، در مقابل دفتر مدیرعامل این شرکت واقع در خیابان هنگام تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان خواستار پرداخت طلب مزدی چند ماهه شان در

عکس: کارگران معدن سنگ آهن بافق

*جمعی از کارگران کارخانه سیمان آبیگ روز چهارشنبه ۴ خرداد در اعتراض به کاهش حقوق و سایر مطالبات خود برای دومین روز متوالی در محوطه کارخانه مقابل سالن غذا خوری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، علت اعتراض کارگران بی توجهی کارفرمای کارخانه نسبت به اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور و بازنگری در محاسبه حقوق و سایر مزایای قانونی است.

*پرستاران بیمارستانهای تهران در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود روز چهارشنبه ۴ تیر در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش مهر، تجمع کنندگان به نمایندگانی از بیمارستانهای مختلف تهران، علت

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در تیر ۱۳۹۳

بقیه از صفحه ۱۴
منطقه در روز سه شنبه ۱۰ تیر با پرداخت شدن بخشی از مطالبات کارگران از محل اعتبارات پیمانکار مجری موافقت کردند.

*کارگران کارخانه تبریز کف در روز چهارشنبه ۱۱ تیر در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات شان در مقابل فرمانداری مرند تجمع کردند. به گزارش ایسنا، کارگران کارخانه تبریز کف ماههاست حقوق و مزایای شان پرداخت نشده و این اولین بار نیست که کارگران این کارخانه اقدام به تجمع اعتراضی می کنند.

شرکت تبریز کف به عنوان یک شرکت خصوصی در سال ۱۳۶۳ با هدف تولید سرامیک کف تاسیس گردید. کارخانه تبریز کف در شهرستان مرند استان آذربایجان شرقی بنا شده و مجهز به مدرن ترین خط تولید ماشین آلات ایتالیایی است.

*روز چهارشنبه ۱۱ تیر، جمعی از کارگران و پرسنل شهرداری لوشان به دلیل عدم دریافت حقوق شش ماهه خود برای سومین روز متوالی در شهرداری لوشان دست به تجمع زدند. به گزارش زیتون خبر، حدود ۷۵ تن از نیروهای خدمات شهر، نقلیه، آتش نشانی، فضای سبز، اداری و... شاغل در شهرداری لوشان به دلیل دریافت نکردن حقوق شش ماهه خود در محوطه شهرداری لوشان دست به تجمع زدند.

*روز یکشنبه ۱۵ تیر حدود ۱۴۰۰ کارگر معادن ذغال سنگ البرز شرقی (واقع در منطقه طرزه استان سمنان) در اعتراض به خصوصی سازی این معدن دست از کار کشیده و در محوطه معدن تجمع کردند. به گزارش ایلنا، سازمان خصوصی سازی، سهام شرکت ذغال سنگ البرز شرقی را به صورت صد در صد به بخش خصوصی ذوب آهن اصفهان واگذار کرده که این موضوع باعث نگرانی درباره کاهش امنیت شغلی کارگران شده است.

*روز سه شنبه ۱۷ تیر، جمعی از کارگران پروژه هتل بین المللی ۵ ستاره نرگس رضوی ۲ به دلیل پرداخت نشدن حقوق ۶ ماهه خود در مقابل درب ورودی این پروژه به نشانه اعتراض تجمع کردند. به گزارش مشهد خبر، شش ماه است که کارگران حقوقی دریافت نکرده و هیچ کس هم پاسخگو مشکل آنها نیست.

روز چهارشنبه ۱۸ تیر، تجمع کارگران پروژه هتل نرگس وارد دومین روز شد. یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: «هیچکس پاسخگویی مشکل ما نیست. آخرین حقوقی را که دریافت کرده ایم مربوط به آذرماه سال گذشته است و از آن مدت تا به امروز ما هیچ حقوق، پاداش و یا عیدی دریافت نکرده ایم».

هتل بین المللی ۵ ستاره نرگس رضوی ۲ متعلق به بنیاد تعاون ناجا است که کارفرما این پروژه شرکت عمران و مسکن سازه پایدار قرن و پیمانکار آن شرکت بین المللی فرآیند انرژی و مدیریت است.

*به گزارش ایلنا، روز دوشنبه ۲۳ تیر بیش از هزار کارگر معادن ذغال سنگ البرز شرقی (واقع در منطقه طرزه استان سمنان) در اعتراض به خصوصی سازی این معدن و همچنین واگذاری زمینهای در تملک آن به شهرداری که بدون اطلاع کارگران صورت گرفته دست از کار کشیده و در محوطه معدن تجمع کردند.

*تعدادی از اعضای تعاونی وزارت جهاد کشاورزی در اعتراض به تعیین تکلیف نشدن اراضی واگذار شده به این اعضا در روز یکشنبه ۲۲ تیر در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری مجلس، هم‌اکنون حدود ۴ هزار تن عضو تعاونی وزارت تعاون جهاد کشاورزی هستند که در سال ۱۳۶۴ این افراد به صورت قانونی بخشی از اراضی بالای منطقه سرخ حصار و شهرداری منطقه ۱۳ را خریداری کرده و مراحل قانونی واگذاری طی و حتی سند شش دانگ برای خریداران صادر شد، اما متأسفانه هم‌اکنون وضعیت این اراضی در بلاتکلیفی قرار دارد.

*روز دوشنبه ۲۳ تیر جمع کثیری از پرسنل شرکت مدیریت تولید برق دماوند در جلوی درب اصلی نیروگاه دست به تجمع اعتراض آمیز زدند. به گزارش برق نیوز، معترضان به نحوه اعمال سیاستهای این شرکت و بنیاد شهید به عنوان مالک آن، در قبال پرداختهای معوق، پاداش سال ۹۲ و همچنین اعمال افزایش حقوق سال جاری اعتراض دارند. تجمع این کارگران در روز سه شنبه ۲۴ تیر ادامه پیدا کرد. در این روز مدیران شرکت تولید برق دماوند و نماینده بنیاد شهید، برخی از خواسته های کارکنان را به صورت مشروط پذیرفتند و قول بررسی بیشتر را دادند.

افزایش حقوق و دستمزد مطابق مصوبات توانیر که اصلی ترین خواسته کارکنان معترض بود، منوط به برگزاری مجمع عمومی شرکت در تاریخ اول مرداد سال جاری شد.

*روز چهارشنبه ۲۵ تیر کارگران معدن ذغال سنگ البرز شرقی برای سومین

بار در تیرماه در اعتراض به خصوصی سازی این معدن دست از کار کشیدند و اقدام به تجمع نمودند. به گزارش ایلنا، در ادامه عدم توجه مسئولان معدن ذغال سنگ البرز شرقی و همچنین مسئولان استانی به مخالفت کارگران این واحد معدنی در خصوص واگذاری این معدن به بخش خصوصی، حدود هزار کارگر این واحد معدنی مجدداً با همراهی حدود ۵۰ تن از کارکنان دفاتر امور اداری در استان دست به اعتراض صنفی زدند.

سازمان خصوصی سازی با واگذاری صد درصدی سهام شرکت ذغال سنگ البرز شرقی به شرکت ملی فولاد امنیت شغلی کارگران را به خطر انداخته است.

*به گزارش کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، ۴۵۰ تن از کارگران سد بنیر مریوان از روز چهارشنبه ۲۵ تیر برای چندمین بار در سال جاری، در اعتراض به وعده های کارفرما مبنی بر پرداخت عیدی و پاداش سال ۹۲ و عدم پرداخت حقوق فروردین و اردیبهشت و خرداد ۹۳ دست به اعتصاب زدند.

*روز چهارشنبه ۲۵ تیر، جمعی از بازنشستگان فولاد مبارکه و نیز ذوب آهن اصفهان و همچنین جمعی از مال باختگان شرکت گیتی پسند اصفهان در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند.

به گزارش فارس، این تجمع در حالی شکل گرفت که بر اساس مصوبه ای که سال گذشته به تصویب رسید، مقرر شده که این مستمری بگیران فولاد مبارکه و ذوب آهن ماهیانه حقوق و مستمری خود را دریافت و تسویه کنند که گویا تعداد این جمع مطالبه گر ۹۵ هزار نفر در استان اصفهان هستند.

*کارگران کارخانه آبیگینه قزوین در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات شان در روز چهارشنبه ۲۵ تیر اقدام به تجمع اعتراضی کردند. به گزارش صبح قزوین، یکی از کارگران این شرکت درباره موقفه های کارکنان، ابراز داشت: ۳ ماه حقوق و ۳۰ درصد از عیدی هنوز به کارگران پرداخت نشده است.

*به گزارش پانا، روز پنجشنبه ۲۶ خرداد جمعی از کارگران کارخانه قند ارومیه (نوشین شهر) برای احقاق حقوق خود در مقابل خانه کارگر ارومیه تجمع کرده و اعتراض خود را به شکل علنی اعلام کردند.

*جمعی از کارگران پیمانکاری شاغل در فازهای ۱ تا ۷ منطقه انرژی پارس جنوبی در اعتراض به ادامه عدم پرداخت ۱۴ ماه مطالبات مزدی و حقوقی خود در روز یکشنبه ۲۹ تیر، برای دومین بار در مقابل ساختمان اداره روابط کار منطقه ویژه پارس جنوبی

تجمع کردند. به گزارش ایلنا، حدود ۵۰۰ تن از کارگران بار دیگر به منظور پیگیری ۱۴ ماه موقوفات مزدی خود در مقابل ساختمان اداره روابط کار منطقه ویژه پارس جنوبی تجمع کردند. کارگران معترض پیش از این در ابتدای سال جاری نیز برای پیگیری مطالبات معوقه خود در همین محل تجمع کرده بودند.

*به گزارش خبرگزاری مجلس، کارگران یکی از شرکتهای طرف قرارداد با متروی تهران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد خود در روز یکشنبه ۲۹ تیر اقدام به تجمع اعتراضی کردند.

*به گزارش همبستگی ملی، بازنشستگان ذوب آهن اصفهان و فولاد مبارکه روز یکشنبه ۲۹ تیر، برای دومین بار طی هفته اخیر در مقابل استانداری رژیم در اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند. این بازنشستگان خواهان پرداخت ۳ ماه حقوق عقب افتاده و رسیدگی به مشکلات شان هستند.

*روز دوشنبه ۳۰ تیر، کارگران معدن ذغال سنگ البرز شرقی (واقع در منطقه طرزه استان سمنان) برای چهارمین بار در ماه جاری در اعتراض به خصوصی سازی این معدن دست از کار کشیده و با سفر به شهرستان شاهرود در مقابل ساختمان ستاد مرکزی این معدن تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مسئولان استانی به کارگران وعده دادند که مانع خصوصی سازی معدن و املاک در تملک آن شوند.

*روز سه شنبه ۳۱ تیر، صدها راننده خودروهای سنگین برون شهری در اعتراض به نحوه رسیدگی به شکایت شان از "سایپا دیزل" ابتدا مقابل دبیرخانه قوه قضائیه و سپس دادسرای کارکنان دولت در تهران تجمع کردند. رانندگان معترض در جریان این تجمع اعتراضی اعلام نمودند که «شرکت سایپا دیزل برخلاف قرارداد فروش منعقد شده، خودروی سنگین دیگری را به این رانندگان واگذار کرده و از این بابت مرتکب تخلف شده که مدتهاست تخلف یاد شده را پیگیری حقوقی می کنیم.»

*روز سه شنبه ۳۱ تیر، تعدادی از کارکنان وزارت علوم در لابی طبقه اول ساختمان این وزارتخانه تحصن کردند. به گزارش دانا، مسئولان حراست اجازه ادامه تحصن به این افراد را ندادند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی،

دستگیری، شکنجه و محاکمه

فعالان کارگری در ایران را

محکوم می کنیم.

جام زهر یا «تب» اتمی خامنه ای

زینت میرهاشمی

با نزدیک شدن به روزهای پایانی توافقنامه ژنو، چالش پیرامون چگونگی عملی کردن توافقنامه ژنو خود را به نمایش می گذارد. آنچه خبرگزاریها از ششمین دوره مذاکرات هسته ای بین رژیم ایران و ۶ کشور بزرگ که از روز ۲ ژوئیه (۱۱ تیر) آغاز شده و تا ۲۹ تیر طول خواهد کشید، گزارش کرده اند، تصویری از «شکاف عمیق بین دو طرف» و فقدان چشم انداز مثبت برای توافق نهایی را نشان می دهد.

عباس عراقچی معاون وزیر خارجه رژیم بر این نظر است که اختلاف در هیچ موضوعی «کاهش پیدا نکرده است. پایوران رژیم از اختلاف در کشورهای ۱+۵ سخن می گویند. جان کری در هنگام ورود به وین برای شرکت در نشست روز یکشنبه ۲۲ تیر، ضمن صحبت از «اختلافها» و «شکاف عمیق» با جمهوری اسلامی بر عزم ۶ کشور برای عدم دستیابی رژیم به سلاح اتمی تاکید کرد.

صحتهای خامنه ای در روز دوشنبه ۱۶ تیر، تضاد و بحران در هرم قدرت پیرامون توافق ژنو را به نمایش گذاشت. خامنه ای در صحبتهای خود به «گره کشاکش» در مذاکرات اشاره کرد و آن را مشاجره بر سر ظرفیت غنی سازی اورانیوم اعلام کرد. میزان غنی سازی اورانیوم و کاهش تعداد سانتریفوژها موضوع اصلی مورد مشاجره است. توافق در این مورد به معنی پایین آوردن توان هسته ای رژیم در دستیابی به بمب اتمی است. خامنه ای خیال می کرد که با دادن فتوا و وارد کردن پارامتر مذهب بر سر میز مذاکره و حرام دانستن ساختن بمب اتمی، می تواند اعتماد طرفهای مقابل را جلب کند. تن دادن رژیم به توافق ژنو و قبول میزان غنی سازی و یک سری موارد دیگر ناشی از فشار تحریمها بود. گر چه در بین کشورهای ۱+۵ بر سر چگونگی اعتماد سازی با رژیم ولایت فقیه و پیشبرد مذاکره اختلاف وجود دارد، اما سیاست بازدارندگی رژیم از ساختن سلاح اتمی نقطه مشترک آنهاست.

موضوعی که جان کری آن را «امری حیاتی» اعلام کرده است. خامنه ای در سخنان خود گزینه های طرف مقابل را چنین تفسیر کرد که «به مرگ گرفته که به تب راضی» شویم. به نظر می رسد سخنان خامنه ای اعلام «مرگ» توان ساخت سلاح اتمی و راضی شدن به «تب» زهر اتمی است.

فراسوی خبر دوشنبه ۲۳ تیر

قالب ملیجکان بیت و خواجگان حرم ولایت درآمده و رخت مباشر نخودی بر تن کنند و از این راه مثل کنیز زادگان محروم الارث، ناپدری نامعقول و غیرمنعطف را

که ثابت کرده به تنی و ناتنی بی اعتنا و بی وفاست، به معقول و موجه بودن خود متقاعد سازند.

- زمان طرح این ایده در مجلس مدت کوتاهی پس از پخش یک برنامه تلویزیونی در نقد عملکرد مدیران و مسوولان قضایی بود که داد و گلابه شیخ قوه قضاییه، صادق لاریجانی را درآورد. حدس این که این پروژه مجلس، پاتک تلافی جویانه علی لاریجانی در دفاع از برادر است، چندان دور از ذهن به نظر نمی رسد.

- از سویی با توجه به لزوم انتخاب رییس جدید صدا و سیما، نشان دادن تحرک از جانب مجلس برای پیشنهاد یا پشتیبانی از فردی که بیش از "حاج عزت" با برادران لاریجانی و نمایندگان فعلی همدمی کرده و در انتخابات پیش روی مجلس که صحنه مصاف اردوگاه اصول گرایان با خیمه نیم سوخته "اصلاح طلبان" و "اعتدالیون" است، به حمایت رسانه ای از اصول گرایان و باند لاریجانی ها بپردازد، چندان عجیب نیست.

هیاهوی بسیار مجلس به هرچه بینجامد، آن هرچه چیزی به جز "هیچ" ضرغامی دیگری نخواهد بود. همان ضرغامی که ضرغامی چیز دیگری به جز "هیچ" لاریجانی نبود و البته "هیچ"ی تکنولوژیک تر و ایدیولوژیک تر!

چنین طرحهایی نه سبب پایبندی به قانون و پاسخگویی رسانه رهبری می شود و نه به مجلس و اجابت دموکراتیک و اقتدار قانونی می بخشد. مجلسی که به خصوص از دوره هفتم به بعد کار را از همسویی و همراهی با ولی فقیه به بندگی و مدیحه سرایی رساند و نمایندگانش شاهکارهای دریاورگی و نوکرفستی را به کرات در رفتارهای عوامانه و لمپنی مثل شعار دادن و فحاشی در صحن مجلس، راه پیمایی به شیوه شعبان بی مخ در سالن مجلس در براثت و محکومیت "فتنه گران"، سکوت و چشم پوشیهای خیانت بار و "کش ندادن" فساد پایان ناپذیر دولت نهم و دهم به نمایش گذاشتند.

به راستی طرح اسمی نظارت بر کارکرد رییس در حال رفتن، جز کوفتن خواجگان مجلس رهبری بر طبل بیپهردگی خویش و نذر روغن ریخته برای این امام زاده ناپذیرنده نیست؟

مجلس خواجگان و ویدیو کلیپ رهبری

امید برهانی

سازمان (گسترش شبکه های داخلی و ماهواره ای) ادامه داد و توسعه ی نرم افزاری (برنامه های سیاسی، فرهنگی و ایدیولوژیک) را سرفصل کار خود قرار داد. از آن زمان تولید و پخش سریالهای مناسبی، طنزهای سخیف، مراسم طولانی نماز و عبادت، عزاداریهای چند ساعته، روضه و مداحی و تله فیلمهای آنگوشتی با مضامین رقابت و خیانت مالی، درگیریهای خانوادگی و خشونت از شبکه های سراسری و استانی بی وقفه و تصاعدی ادامه دارد.

نقطه اوج تاخت و تاز، بی پروایی و



فریبکاری رسانه ای صدا و سیما پس از سرکوب خیزش مردمی ۸۸ و وارونه نگاری، مظلوم نمایی و توهین و تحقیر همه فعالان و منتقدان از عاشورای همان سال و سیرک حکومتی ۹ دی بوده است.

با این توصیفها، مجلسی که دستکم از دوره هفتم تا امروز برکشیده خالص شورای نگهبان و آلت دست رهبر بوده و از نظر قانونی و عملی در جایگاه یک ناظر و پرسشگر واقعی نیست، چرا و چگونه داعیه نظارت بر ویدیو کلپ حکومت را دارد و در اساس چرا در پایان کار ضرغامی به صرافت مشاوره و نظارت دروغین افتاده است؟ این روغن ریخته نصیب کدام امامزاده می شود؟

به نظر می رسد طراحان این ایده اهداف زیر را دنبال می کنند:

- نمایش اقتدار و اختیار قانونی نداشته و القای شعار کذب "مجلس در راس امور است" در چشم و ذهن افکار عمومی و رسانه ها و به خصوص دولت فعلی و تبلیغ این توهم که مجلس بنده و برده رهبر نیست و می تواند هر از گاهی از سر اختیار به مرده لگدی بپراند. گرچه همین جسارت بزبانه و فرار به جلو نمایندگان هم بی اجازه و آگاهی ولی فقیه امکان خودنمایی ندارد.

- کشیدن این مضمون به رخ دولت که مجلس نه تنها در برابر این نهاد به ظاهر ناهمگون دست به اعتراض، پرسش یا استیضاح می زند، بلکه با گروههای همساز و همسان نیز دست پیش را می گیرد.

- دلداری و اطمینان بخشی به رهبر که گاهی با اذن و نظر خود او این جماعت از

با نزدیک شدن روزهای پایانی ریاست عزت الله ضرغامی بر صدا و سیما، گروهی از نمایندگان مجلس درصدد تهیه و تصویب طرحی با عنوان "نظارت بر عملکرد ریاست این سازمان" بر آمده اند. در جزئیات طرح اما چیزی با محتوای نظارت به چشم نمی خورد. آنچه مطرح است "ارایه نظر مشاوره ای و پیشنهاد برای برکناری یا تعویض این پست به رهبر حکومت" است!

هر فرد نیمه آگاهی می داند که در رژیم ولایت فقیه، عزل و نصب رییس این رسانه

و نهادهایی چون بنیاد جانبازان، تولید استان قدس، اوقاف و ... طبق قانون اساسی ساختگی موجود برعهده رهبر و بالطبع دور از دسترس و نظارت قوای قانون گذار و اجرائی است.

ارایه دهندگان این طرح چه کسانی اند و چه هدفی را دنبال می کنند؟ چرا از میان خیل افراد و باندهای قدرت و ثروت و نهادهای موازی ناشفاف و غیر پاسخگو، توپ به زمین رسانه حکومتی افتاده؟ خاستگاه این ایده کجاست؟

ضرغامی کلید سازمان را در سال ۸۴ از همپالکی سپاهی خود، علی لاریجانی تحویل گرفت؛ فردی که در دو دوره ریاستش سازمان را کاملا در خط حاکمیت اصولگرا هدایت و حرکت داد و در غیاب و سانسور رسانه های مستقل و مخالف مثل کتاب، نشریات، تیاتر و سینما و همپای عملیات حکومتی سرکوب فرهنگی مثل هجوم و تعطیل کردن انتشارات "مرغ آمین"، ربودن فرج سرکوهی، توطیه اتوبوس اعضای کانون نویسندگان و ... با تولید و پخش برنامه هایی چون "هویت" و "چراغ" و توهین و تهدید روشنفکران و مخالفان داخل و خارج، سازمان را به رسانه بی رقیب و سخنگوی انحصاری رژیم بدل کرد.

ضرغامی میراث دار چنین رویه و رسانه ای شد و در دوران ریاستش با افزایش بودجه سازمان و کسب درآمد از محل آگهیها (و شاید منابع دیگر) که هرگز هم درصدد شفاف سازی مالی و پاسخ گویی به پرسشهای گاه به گاه نمایندگان مجلسهای وقت بر نیامد، به توسعه ی سخت افزاری

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

می سازد که بخش عمده ای از زنان کارگر در جهان، به تعداد تقریبی ۸۵۰ میلیون تن، از امکانات لازم و حیاتی مربوط به زایمان برخوردار نیستند.

پژوهشگران رسمی سازمان مزبور ابراز می دارند که باوجود پیشرفت امکانات رفاهی، زنان کارگر بدون برخورداری از امکانات بهداشتی زایمان و مرخصی کافی، به کار ادامه می دهند. رییس بخش برابری جنسیتی سازمان جهانی کار، خانم "النی" می گوید: "این میزان شامل زنان کارگر مهاجر و زنانی می گردد که در صنعت کشاورزی، کار خانگی و یا نیمه وقت به کار مشغولند که بیشتر در قاره آسیا و مناطق جنوبی صحرای بزرگ آفریقا سکونت دارند."

سازمان جهانی کار از سال ۱۹۱۹، سه پیمان نامه جهت حمایت از زنان کارگر در زمان بارداری و مراقبت از نوزادان شان به تصویب رسانده که آنها را از مرخصی و دریافت دستمزد هنگام بارداری بهره ور می سازد. شصت و شش کشور از ۱۸۵ کشور جهان حداقل یکی از پیمان نامه های مزبور را پذیرفته اند. افزون براین، برخی کشورها به تصویب قوانینی پیرامون مرخصی دوران بارداری زنان شاغل مبادرت ورزیده اند که با چهارده هفته ای که سازمان جهانی کار به عنوان معیار در نظر گرفته است، همسان بوده و یا فرونی دارد.

انتشار آمارهای تکان دهنده ای از موقعیت زنان

اسوشیتدپرس، ۱۲ ژوئن ۲۰۱۴ - تحقیقات جامع از سوی مرکز تحقیقاتی "افروپارومتر"، مرکز پیشرفتهای دموکراتیک، بنیاد بررسی مسایل اقتصادی، سیاسی نشان می دهد که موقعیت زنان از نظر قدرت سیاسی در کشورهای زیمبابوه، گینه و کنیا در پایین ترین سطح نسبت به کشورهای دیگر جهان قرار دارد. اما این کشورها تنها مناطقی نیستند که در آنها از ورود زنان به حوزه های فعالیت سیاسی جلوگیری می شود. زنان در کشورهای الجزایر، مصر، مراکش، سودان و تونس نیز امکانات رفاهی همگانی بسیار نازلی دارند.

زنان و دختران در سراسر جهان از عدم دسترسی به امکانات آموزشی رنج می برند. ۶۴ درصد از ۷۷۴ میلیون بیسواد جهان را زنان تشکیل می دهند.

دستمزد زنان شاغل جهان، ۷۰ تا ۹۰ درصد دستمزد مردان در حوزه شغلی برابر است. آنها به ندرت در حوزه های مدیریتی به کار گرفته می شوند. در آفریقا تنها ۲۱ درصد از اعضای پارلمان، زن هستند. برابری جنسیتی در آفریقا از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ به طور یکنواخت

با پیشرفت ۱۰ درصدی، جز در حوزه آموزشی، روبرو بوده است. با این وصف، تضاد جنسیتی و موانع فراروی زنان جهت دستیابی به امکانات آموزشی هنوز به قوت خود باقی است.

تفاوت ۲۳ درصدی مزد زنان و مردان در تهران

خبرگزاری کار ایران، ۱۶ مرداد ۱۳۹۳ - خانم اشرف بنائی، فعال کارگری، در مورد تفاوت های مزدی کارگران زن و مرد هم رده می گوید: "میانگین مزد کارگران زن در تمامی رده های شغلی از میانگین مزد همکاران مرد هم رده و هم تخصص شان کمتر است. این تفاوت مزدی را جامعه به زنان تحمیل کرده و آنها نیز به پذیرش وضع موجود مجبور شده اند. سقفهای شیشه ای و محدودیتهای پنهان حاکم بر اشتغال زنان ناشی از عرف جامعه است و نگاه جنس دومی به زنان، اصلی ترین علت پایین ماندن دستمزد آنهاست."

وی با اشاره به تازه ترین آمار منتشر شده مبنی بر تفاوت ۲۳ درصدی مزد زنان و مردان هم رده در تهران گفت: "آمارها، سند رسمی تجربیات زنان کارگر هستند. تفاوت مزدی کارگران زن و مرد کاملاً در بازار کار جا افتاده و علاوه بر کارفرمایان، کارگران زن نیز پایین تر بودن مزد خود را پذیرفته اند. هرچند قانون کار در مقایسه با دیگر قوانین جامعه توجه بیشتری به برابری زن و مرد دارد و تفاوت هایی که برای اشتغال زنان قایل شده در جهت بهبود شرایط اشتغال آنهاست، اما عرف حاکم بر جامعه و همچنین دیگر قوانین مربوط به زنان مثل قوانین ازدواج و طلاق، بازار کار را نیز تحت تاثیر قرار داده و باعث شده تا قوانین "برابری محور" کار نیز اجرا نشوند."

بنایی ادامه داد: "تفاوت ۲۳ درصدی یعنی زنان بیش از یک پنجم کمتر از همکاران مرد خود برای انجام کار مشابه مزد می گیرند. کارفرمایان در توجیه این تفاوت، مسوولیت اقتصادی خانواده را متوجه مردان می دانند و بر همین اساس مزد کمتری را به زنان پرداخت می کنند و این درحالی است که بسیاری از زنان کارگر، سرپرست خانواده خود هستند و معاش خانواده از دستمزد آنها تامین می شود."

بنایی تصریح کرد: "جامعه به کار زنان نیاز مبرم دارد، اما علت این نگاه جنس دومی به کار زنان، ارزان نگه داشتن کار آنها و در واقع استفاده سوو از وجود نیروی کار با هزینه کمتر است."

سرپرستی بیش از ۱۴۵ هزار خانوار مهاجر سوری را زنان بر عهده دارند

سازمان عفو بین الملل، ۸ ژوئیه ۲۰۱۴ - یک خانواده از هر چهار خانوار مهاجر سوری در مصر، لبنان، عراق و اردن توسط زنانی اداره می شود که به سختی

تلاش می کنند تا بخشی از مصیبت های وارده بر خانواده هایشان را جبران کنند. سازمان عفو بین الملل با انتشار گزارشی مفصلی خواستار اهمیت و رسیدگی افزون تر به زنان سرپرست خانوار مزبور شد. در بخشی از گزارش این سازمان آمده است که مشقات زندگی برای صدها هزار زنی که از منازل ویران شده خود گریخته اند، تازه آغاز شده است. بیش از ۱۴۵ هزار خانوار سوریه ای مهاجر توسط زنان سرپرستی می شوند که به دلیل مشکلات زندگی به بیماریهای روحی و روانی دچار گشته اند.

گزارش مذکور بر اساس گفتگو با ۱۳۵ زن سرپرست خانوار مهاجر سوریه ای در سه ماه اول سال ۲۰۱۴ تهیه شده است. این گزارش نشان می دهد که ۶۰ درصد از آنها احساس امنیت نمی کنند. یک نفر از هر سه نفر، به دلیل ترس و عدم امنیت جرات ترک منزل را ندارد. بیشتر آنان از آزار و اذیت های فیزیکی و جنسی توسط رانندگان تاکسی، اتوبوس و دیگر وسایل نقلیه و حتی اشخاصی که برای حمایت از آنان گمارده شده اند، در رنجند. تنها یک پنجم این زنان دارای شغل با دستمزد هستند. ۲۰ درصد از آنها از سوی خویشاوندان شان مورد حمایت مالی قرار می گیرند و بقیه با دریافت صدقه و کمک، زندگی را سپری می کنند.

در حال حاضر بیش از ۲.۹ میلیون مهاجر به ثبت رسیده سوریه ای در منطقه حضور دارند و هر ماه، صد هزار تن به شمار آنها افزوده می شود. این میزان در صورت عدم تغییر روند کنونی کشور سوریه، به ۳.۶ میلیون نفر تا پایان امسال افزایش خواهد یافت.

کار خانگی، کاری زنانه در آمریکا

تایمز، ۱۸ ژوئن ۲۰۱۴ - بر اساس تحقیقات "دفتر نیروی کار" در آمریکا، مسوولیت کار خانگی هنوز بر دوش زنان است.

۸۳ درصد از زنان و ۶۵ درصد از مردان ساعتی از روز را به آشپزی، چمن زنی و رسیدگی به مسایل مالی خانه مشغولند. فعالیت خانگی زنان در طول روز به طور متوسط ۲۶ ساعت و برای مردان کمتر از ۲.۱ ساعت است.

۱۹ درصد از مردان و ۴۹ درصد از زنان به طور متوسط به کار شستشو می پردازند. ۴۲ درصد از مردان به نظافت و خرید مواد مورد نیاز خانه در مقایسه با ۶۸ درصد از زنان می پردازند.

در بین خانواده هایی که دارای یک فرزند زیر شش سال هستند، زنان بیش از یک ساعت به رسیدگی از کودکان مبادرت می ورزند. این میزان برای مردان کمتر از ۲۶ دقیقه است.

مردان شاغل، ۵۳ دقیقه بیشتر از زنان شاغل کار می کنند. مردان شاغل به صورت تمام وقت، ۳ تا ۸ ساعت بیشتر از زنان شاغل تمام وقت، وقت خود را بیرون از خانه صرف می کنند.

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

تنها یک راه برای مورد انتقاد قرار نگرفتن وجود دارد: هیچ کار نکن، هیچ چیزی نگو، هیچکس نباش.

ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ میلادی)، از فیلسوفان یونان باستان و یکی از مهم ترین فیلسوفان غربی. او شاگرد افلاطون و آموزگار اسکندر مقدونی بود. تالیفات او در زمینه ها و رشته های گوناگون منجمه فیزیک، متافیزیک، شعر، زیست شناسی، منطق، علم بیان، سیاست، دولت و اخلاق است. ارسطو به همراه سقراط و افلاطون از تأثیر گذارترین فیلسوفان یونان باستان بودند.

انسان ممکن است یک سال با یک فرد زندگی کند و آن شخص برایش غریبه باشد. می تواند با یک نفر ۲۰ دقیقه وقت بگذراند و تا آخر عمر فراموش اش نکند.

ارویانا فالانچی (۲۹ ژوئن ۱۹۲۹- ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۶) روزنامه‌نگار، نویسنده و مصاحبه گر برجسته سیاسی. او ایتالیایی بود که در شهر فلورانس متولد شد و در سن ۷۷ سالگی در همان شهر درگذشت. وی در دوران جنگ جهانی دوم به عنوان یک چریک ضد فاشیسم فعالیت می کرد. آنچه بیش از هر چیز به معروفیت وی کمک نمود، مجموعه مصاحبه های مفصل و مشهور او با رهبران سرشناسی همچون محمدرضا پهلوی، یاسر عرفات، ذوالفقار علی بوتو، روح‌الله خمینی، ایندیرا گاندی، معمر قذافی و هنری کیسینجر بود.

موسیقی....

پس از ۲۰ سال، آلبومی جدیدی از گروه پینک فلوید



بیست سال از انتشار آخرین آلبوم گروه اسطوره ای پینک فلوید می گذرد. همسر دیوید گیلور، خواننده و گیتاریست این گروه اعلام کرد که آلبومی جدید با نام "رودخانه بی پایان" در راه است. مسئول روابط عمومی دفتر دیوید صحت این خبر را تأیید کرده است.

چهاردهمین و آخرین آلبوم استودیویی گروه پرآوازه پینک فلوید در بهار سال ۱۹۹۴ انتشار یافت.

آلبوم جدید پینک فلوید از جمله دربرگیرنده ی دستاوردهایی است که اعضای گروه در همنازیهای خود برای تهیه آلبوم "ناقوس جدایی" ساخته بودند. از این رو قطعات آلبوم جدید به نوعی میراث ریچارد رایت، کیوردنواز پینک فلوید که در سال ۲۰۰۸ بر اثر سرطان درگذشت، است.

پینک فلوید را می توان یکی از پرنفوذترین گروههای راک در جهان دانست. این گروه در سال ۱۹۶۵ پایه گذاری شد و در اواسط دهه هشتاد میلادی نیز با رفتن راجر واترز، دیگر از آن ترکیب جادویی برخوردار نبود. آلبومهای "نیمه تاریک ماه" و "دیوار از آثار فراموش نشدنی و تأثیرگذار در تاریخ موسیقی راک محسوب می شوند. تا کنون بیش از ۷۰ میلیون نسخه از این آلبوم در سراسر جهان به فروش رفته و از این رو از پرفروش ترین آلبومهای پاپ و راک در جهان به شمار می روند.

دستگیری سه جوان به خاطر ساخت کلیپ "گل برای ایران"



ویدئو کلیپ "گل برای ایران" که در یکی از شبکه های ماهواره ای پخش شده در باره گل زدن ایران در جام جهانی فوتبال است که برخی از صحنه های آن در مناطقی از شاهرود تهیه شده است.

دو نفر بازیگر فیلم که هر دو ۲۳ ساله هستند و در یک خانه مجردی زندگی می کردند، دستگیر شدند. همچنین کارگردان ۲۶ ساله این فیلم نیز که در رشته عکاسی فعالیت می کند شناسایی و دستگیر شد و متهمان پس از تکمیل پرونده به مرجع قضایی معرفی شدند.

فرمانده انتظامی شهرستان شاهرود به جوانان و نوجوانان با تأکید توصیه کرد: بدخواهان و دشمنان انقلاب اسلامی از هر حربه ای برای ضربه زدن به کشور استفاده می کنند و جوانان باید آگاه باشند تا در دامهای شیطانی و تبلیغات خوش رنگ و لعاب غرب گرفتار نشوند.

دو میلیون دلار برای دست نویس باب دیلن



چرکنویس معروفی از باب دیلن در یک حراجی بهیای دو میلیون دلار به فروش رفت. این بالاترین بهایی است که تا کنون برای آهنگی از موسیقی راک پرداخته شده است.

باب دیلن نخستین طرح برای ترانه ای به سبک راک را حدود ۵۰ سال پیش روی کاغذ نامه ی یک هتل یادداشت کرده بود. در جلسه حراجی که روز سه شنبه (۲۴ ژوئن/۳ تیر) در بنگاه سائیز در نیویورک برگزار شد، حدود ۱۵۰ فرد علاقه مند و مؤسسه موسیقی شرکت کردند.

سرانجام دست نوشته ی ترانه سرای نامدار به قیمت ۲ میلیون دلار به فروش رسید.

کارشناسان انتظار داشتند که دست نوشته ی باب دیلن طرفداران زیادی داشته باشد، اما به خاطر کسی خطور نمی کرد که به این بهای بالا فروخته شود.

ترانه "مثل سنگی غلطان" در تاریخ موسیقی راک جایگاهی ویژه دارد. این ترانه را باب دیلن در سال ۱۹۶۵ زمانی که تنها ۲۴ سال داشت، سرود. متن ترانه ماجرای دختری بانزاک است که در خیابان با ولگردی بی سروپا روبرو می شود که برای او پدیده ای کاملاً غریبه است؛

چه حسی دارد
چه حسی دارد
بی سرپناه بودن
بی نام و نشان بودن
مثل سنگی غلطان...

تا امروز دست نوشته های جان لنون، آهنگساز معروف گروه بیتلها، به گران ترین قیمت فروخته شده بود.

باب دیلن همواره از جنش مدنی در آمریکا حمایت کرده است. او در سال ۲۰۱۲ از دست باراک اوباما، رئیس جمهور، نشان آزادی را دریافت کرد.

فیلم....

فیلمی بازگو کننده ۳۵ سال ممنوعیت آواز خوانی زنان در ایران

در سی و هشتمین دوره جشنواره جهانی فیلم مونترال که از ۲۱ اوت تا اول سپتامبر ۲۰۱۴ در کانادا برگزار می شود، فیلمی با نام "سرزمین بدون آواز" ساخته آیت نجفی درباره ۳۵ سال ممنوعیت آواز خوانی زنان در ایران به نمایش درمی آید. این نخستین پخش نمایش جهانی این فیلم مستند است و قرار است در جشنواره های دیگر و همچنین سینماهای پاریس نیز اکران شود.

در این فیلم تماشاگر نه تنها با مشکلات برگزاری کنسرت زنان در ایران آشنا می شود، بلکه با زنان هنرمند بیشتری از پیش همدلی می کند.

جشنواره فیلم مونترال از سال ۱۹۷۷ کار خود را آغاز کرده و تنها جشنواره سینمایی در آمریکای شمالی است که از سوی انجمن تهیه کنندگان جهان به رسمیت شناخته شده است. این جشنواره از سال ۱۹۹۵ تاکنون در مرکز سینما امپریال برگزار می شود و به سینمای اجتماعی ایران هم توجه ویژه ای دارد. سال گذشته، از سینماگران ایرانی فیلمهای "زندگی مشترک آقای محمودی و بانو" ساخته روح اله حجازی، "تاج محل" ساخته دانش اقیبا شاولی، پرگریزان، ساخته علی جابر انصاری و... به نمایش درآمد. در سال جاری تنها فیلم ۹۰ دقیقه ای "سرزمین بدون آواز" محصول آلمان و فرانسه است در این جشنواره پذیرفته شده است.

شکایت کرده شمالی به سازمان ملل به خاطر

فیلم آمریکائی

کره شمالی در نامه ای به سازمان ملل متحد، از فیلمی که قرار است با مضمون توطئه ترور کیم چونگ اون، رهبر آن کشور در آمریکا اکران شود، شکایت کرده است.

جا سونگ نام، نماینده پیونگ یانگ در سازمان ملل طی یک شکوایه نوشته است؛ تولید و پخش فیلم کمدی "مصاحبه" در حکم "اشکارترین شیوه حمایت (مالی) از تروریسم و اقدام به جنگ" است.

مضمون فیلم این است که دو ژورنالیست معروف آمریکایی به مصاحبه با کیم چونگ اون رهبر کره شمالی می روند و سپس سی آی ! به آنها دستور می دهد که او را بکشند.

تاتر....

"آی با کلاه، آی بی کلاه" ساعدی در تئاتر سنگلج

پس از ۳۵ سال نمایشی از زنده یاد غلامحسین ساعدی در تاتر سنگلج به روی صحنه می رود. به نظر می آید که مدیران وزارت ارشاد با اجرای این تاتر موافقت کرده باشند. از آنجائی که کارگزاران دولت روحانی بارها، تلویحاً از غارت کشور در دولت پیشین گلایه کرده اند، می توان با توجه به اشاره ساعدی به این نکته در تاتر مذکور، به علت این سخاوتمندی غیر متربقانه پی برد.

"آی با کلاه، آی بی کلاه" یک نمایش تمثیلی است. ساعدی در این نمایش نشان می دهد که اگر روشنفکران به مردم دروغ گویند، چگونه در بی تفاوتی مردم، محله و به یک معنا کشوری غارت می شود. یکی از جذاب ترین شخصتهای متعدد این تاتر مردی روی بالکن است که به شکل تمثیلی روشنفکران را نمایندگی می کند.

جعفر والی، بازیگر عرصه تئاتر و سینما، می گوید؛ هنگامی که در سال ۱۳۴۶ "آی با کلاه، آی بی کلاه" به صحنه آمد، احمد شاملو، شاعر بزرگ ایران با دیدن این نمایش گفت: "ادم خجالت می کشد وقتی می آید و این نمایش را می بیند"

بقیه در صفحه ۱۹

NABARD - E - KHALGH

No : 349 23 July 2014 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

شهادت فدایی

مرداد ماه

رفقا: زین العابدین رشتچی - غلامرضا بانزاد- حسین الهیاری - محمد صفاری - آشتیانی - عباس جمشیدی رودباری - داریوش شفافیان - عباسعلی شریفیان - قدرت الله شاهین سخن - فرزاد صیامی - عبدالکریم عبدالله پور - فرامرز شریفی - فرخ سپهری - مهدی فضیلت کلام - مهدی یوسفی - حسن کهل - ابراهیم جلالی - فیروز صدیقی - ونداد ایمانی - گودرز همدانی - جهانخس پایداری - جمیل اکبری آذر - جمشید پورقاسمی - مرتضی (امیر) فاطمی - محمدرسلول عزیزیان - بیژن مجنون - هادی حسین زاده کرمانی - زهرا فرمانبردار- عظیم سرعتی - مسعود جعفرپور- فریدون شافعی - جواد کاشی - یوسف کیشی زاده - احمد زبیرم - سعید میرشکاری - هرمز گرجی بیانی - ابوالقاسم رشوند سرداری، از سال ۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به دست مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند، یادشان گرامی باد

دستگیری، آزار و شکنجه کارگران و فعالان کارگری نقض حقوق بشر و محکوم است. جمهوری اسلامی عضو سازمان جهانی کار است و باید کنوانسیونهای این نهاد بین المللی را رعایت کند. دستگیری فعالان کارگری به دلیل تلاش برای رسیدن به حقوقشان نقض این کنوانسیونهاست. به همین دلیل رژیم جمهوری اسلامی باید در لیست سیاه سازمانی جهانی کار به دلیل نقض حقوق نیروهای کار قرار گیرد.

فراسوی خبر سه شنبه ۱۰ تیر

ضرب و شتم خانواده بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری محکوم است

زینت میرهاشمی



بهنام ابراهیم زاده یک فعال کارگری است که سالهاست در سیاهچالهای رژیم ولایت فقیه گرفتار است. روز یکشنبه ۷ تیر، خانواده این کارگر زندانی، بعد از تحمل ضرب و شتم ماموران، محل سکونتشان مورد یورش قرار گرفت.

هم اکنون تعداد زیادی از فعالان کارگری تنها به جرم دفاع از خواسته های بر حق خود در زندان و زیر فشار، آزار و اذیت قرار دارند. رضا شهبابی کارگر زندانی بیش از ۲۵ روز است در اعتراض به وضعیت غیر انسانی خود در اعتصاب غذا به سر می برد.

شاهرخ زمانی کارگر زندانی و فعالان کارگری دیگری را که در زندان به سر می برند باید به لیست بلند زندانیان سیاسی در رژیم ولایت فقیه اضافه کرد.

دستگیری سعید شیرزاد، کارگر و فعال برای حقوق کودکان کار را هم باید به شمار کارگران زندانی اضافه کرد.

اکنون جمهوری اسلامی که بارها جهان را به اعمال تروریستی تهدید کرده، مزورانه خواهان "گفتگوی متقابل و احترام آمیز" می شود. گویا طرفهای خطاب وی تهدید خامنه ای مبنی بر اینکه "آمریکا و دیگران بدانند - که می دانند - که ما هم در برابر تهدید و تحریم تهدیدهایی داریم که هر وقت لازم باشد اعمال خواهد شد" را فراموش کرده اند. یا رجزخوانی نمایندند او، حسین شریعتمداری را نشنیده اند که هشدار داد "بگرد تا بگردیم" و "ترور نظامیان و مقامات اسرائیلی به آسانی امکان پذیر است" را گوشزد کرد.

جمهوری اسلامی همواره از ترور به عنوان ابزار سیاست استفاده کرده است. از ترور مقامهای رژیم سابق تا کشتار نیروهای مخالف و رهبران اقلیتهای مذهبی و قومی، از جمله ترور کاظم رجوی، شاهپور بختیار، عبدالرحمان قاسملو، صادق شرفکندی و "قتلهای زنجیره ای" در این کارنامه دیده می شود. رد پای تروریسم دولتی رژیم را همچنین از انفجار مرکز یهودیان آرژانتین (آمیا) در بوئنوس آیرس که به کشته شدن ۸۵ نفر انجامید تا حمایت از دستجات تروریستی بنیادگرا در عراق، لبنان، سوریه و فلسطین، همه جا می شود دید.

و نتیجه آنکه سپاه پاسداران و سران جمهوری اسلامی از جمله رفسنجانی، ولایتی، محسن رضایی در فهرست سیاه تروریستهای بین المللی قرار گرفته اند. سال گذشته حمید ابوطالبی، معاون سیاسی روحانی که به عنوان نماینده رژیم در سازمان ملل متحد معرفی شده بود، به خاطر مشارکت در گروگان گیری کارکنان سفارت آمریکا به این سازمان راه داده نشد.

نمونه ها آنقدر زیادند که مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد. رژیم در ترور شهروندان ایرانی تا شهروندان دیگر کشورها مرزی را نشناخته است. از این رو جمهوری اسلامی هرگز نمی تواند منکر این ویژگی همزاد آن شود، بدون آنکه مورد تمسخر و نفرت مردم جهان قرار نگیرد.

فراسوی خبر.. شنبه ۲۱ تیر

پرونده تروریسم دولتی جمهوری اسلامی با حکم دادگاه نیویورک بازگشایی شد

لیلا جدیدی

حکم یک دادگاه تجدید نظر در نیویورک و تعیین غرامت نقدی به مبلغ یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار به خاطر عملیات تروریستی در بیروت در سال ۱۹۸۳، یکبار دیگر پرونده جنایتکارانه و تروریستی رژیم را باز کرده است. همزمان یک سرکرده تروریسم دولتی، پاسدار نقدی، برای توجیه خسارتی که او و امثالش به بار می آورند، رای دادگاه مزبور را دسیسه آمریکا برای "سرقهت اموال بلوکه شده جمهوری اسلامی" توصیف کرده.

در حمله تروریستی بیروت که با یک کامیون انتحاری حامل حدود هزار کیلوگرم مواد منفجره صورت گرفت، بسیاری از سربازان آمریکایی و نیروهای حافظ صلح بین المللی در لبنان کشته شدند. بنا به حکم دادگاه تجدید نظر نیویورک که حاصل جمع بندی ۱۳۰۰ پرونده منفرد علیه رژیم است، مبلغ مزبور میان خانواده های کشته شدگان در این اقدام تروریستی تقسیم می شود.

ماه گذشته در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل برای بررسی اجرای استراتژی جهانی مقابله با تروریسم که با شرکت برخی مقامات مرتبط با موضوعات تروریسم از کشورهای عضو تشکیل شد، حسین قریبی، نماینده رژیم مدعی "ضرورت مقابله با افراط گرایی و تروریسم و پیشبرد گفت و گفتگوی متقابل و احترام آمیز" شد. این گفته از نماینده رژیم است که طی ۳۵ سال به طور ثابت با اتهام تروریسم دولتی روبرو بوده است.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم